



## عوامل مؤثر بر سودآوری بانکها کدامند؟ رهیافت تجزیه و تحلیل سیستماتیک مفهوم محور

وحید شعبانی<sup>۱</sup>  
کامبیز هژبر کیانی<sup>۲\*</sup>  
سید شمس‌الدین حسینی<sup>۳</sup>  
مرجان دامن کشیده<sup>۴</sup>

### چکیده

این مقاله مروری سیستماتیک بر ادبیات ۵۹ مطالعه تجربی منتشر شده طی دوره ۲۰۲۴-۱۹۷۹ می‌باشد که به بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری بانکها پرداخته‌اند. مقاله حاضر هدف دوگانه‌ای را دنبال کرده است. از یک سو، هرگونه تصمیم‌گیری توسط مدیریت بانکها نیاز به درک عوامل مؤثر بر سودآوری آنها دارد و از سوی دیگر، دسترسی به روش‌های تحقیق در بخش عوامل مؤثر بر سودآوری بانکها به محققان امکان تحقیقات کاربردی و در عین حال پیچیده‌تری را می‌دهد. به‌منظور بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری بانکها از روش ابتکاری تجزیه و تحلیل ماتریس مفهوم محور استفاده شده است. براساس این روش، سه بُعد کلی عوامل مؤثر بر سودآوری بانکها یعنی عوامل سیکلی، ساختاری و خاص بانکها ترکیب شده و سپس با استفاده از یک فرآیند کدگذاری باز، ادبیات مربوطه به دقت در ۱۷ زیرشاخه تجزیه و تحلیل شده است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که تعامل عوامل سیکلی، ساختاری و خاص بانکها بر سودآوری آنها، هنوز فاقد درک عمیق بوده و به تحقیقات تجربی بیشتری نیاز دارد. همچنین، رویکرد کل‌نگرانه، سبک جدیدی از بررسی تحقیقات موجود ارائه کرد و تفاوت بین آنچه که می‌دانیم و آنچه که نیاز داریم بدانیم را نشان می‌دهد.

**واژه‌های کلیدی:** سودآوری بانکها، سیکل‌های اقتصادی، عوامل ساختاری.

طبقه‌بندی JEL: G21, G01, E30, C32.

۱. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران؛ shabani.vahid@gmail.com

۲. استاد گروه اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ kianikh1@yahoo.com

۳. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛ sh.sshosseini@yahoo.com

۴. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران؛

m.damankeshideh@yahoo.com

### مقدمه

امروزه نظام بانکی به عنوان مجری سیاست‌های پولی نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی کشورها ایفا می‌کند؛ به طوری که نمی‌توان اقتصاد را بدون حاکمیت نظام بانکی متصور بود و به همین علت همیشه مسائل و موضوعات مرتبط با این حوزه از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که بانک‌ها به عنوان بنگاه اقتصادی و تأمین‌کننده منابع بانکی همیشه به دنبال آن بوده‌اند، سودآوری می‌باشد؛ اما سودآوری بانک‌ها همواره متأثر از عوامل ساختاری و دوره‌های رونق و رکود اقتصادی می‌باشد. بدین جهت تأثیر عوامل ساختاری، سیکل‌های تجاری (دوره‌های رونق و رکود اقتصادی) و عوامل خاص بانک‌ها بر سودآوری آن‌ها برای ارزیابی و ثبات بخش مالی و بانکی از اهمیت خاصی برخوردار است.

با این پیش‌زمینه، می‌توان اذعان نمود یک مقاله سیستماتیک که به بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها پردازد، مفید است. مرور ادبیات، ابزار مفیدی در سازماندهی جنبه‌های مختلف مرتبط با موضوعات پژوهشی است، نه تنها به ماهیت متنوع دانش می‌پردازد، بلکه چارچوب‌های مفهومی را برای توسعه درک حوزه موضوعی فراهم می‌کند (بروکه و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). با این حال، این مقاله به جای انباشته کردن مطالعات پیشین، بر روش بررسی سیستماتیک مفهوم محور تمرکز دارد. برای این منظور طیف گسترده‌ای از تحقیقات جمع‌آوری، خلاصه و ارزیابی شده است تا اهداف زیر نائل شود (بیکر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶):

**RQ1:** وضعیت الگوسازی تحقیقات انجام شده در مورد عوامل تعیین‌کننده سودآوری بانک‌ها چگونه است؟

**RQ2:** چگونه می‌توان یافته‌های تحقیقات پیشین را در یک چارچوب مفهوم محور جامع یکپارچه کرد؟

**RQ3:** زمینه‌های تحقیقاتی آینده در حوزه سودآوری بانک‌ها کدامند؟

با توجه به سوالات تحقیق و همه آنچه گفته شد مقدار و جهت اثرگذاری عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها مشخص نیست. از این رو، مسأله اصلی این مقاله بررسی تحقیقات انجام شده مرتبط با سودآوری بانک‌ها به روش تجزیه و تحلیل مفهوم محور است که در ادامه به دقت روش‌شناسی سیستماتیک برای مجموعه ادبیات ارائه می‌گردد. بدین منظور یک ارزیابی تحلیلی از جنبه‌های اصلی آن بیان می‌شود.

1. Bourke et al

2. Baker

سپس، ادبیات موضوع در چارچوب عوامل سیکلی، ساختاری و خاص بانک بررسی خواهد شد. همچنین، پس از تجزیه و تحلیل وضعیت موجود تحقیق، با تمرکز بر نتایج و پیامدهای حاصل شده، زمینه‌های تحقیقاتی آینده را پیشنهاد نموده و مطالعه را با تأملی خلاصه به پایان می‌رساند.

### روش‌شناسی پژوهش

با توجه به هدف که شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها است، این مقاله از نظر هدف توسعه‌ای- کاربردی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها توصیفی می‌باشد و از روش تجزیه و تحلیل سیستماتیک در آن استفاده شده است. برای تعیین ضرایب عوامل مؤثر، با استفاده از مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع مقاله، هر مرجع براساس مفهوم آن با روش پیشنهاد شده وبستر و واتسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) ترکیب و منظم گردید. برای بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها، به بررسی ادبیات موضوع به صورت سیستماتیک پرداخته شد و جامعه پژوهش نیز، اسناد علمی مرتبط با سودآوری بانک‌ها می‌باشد که طی دوره ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۴ منتشر شده‌اند. کلیدواژه‌های تحقیق در پایگاه‌ها و مراکز اسناد علمی دانشگاهی معتبر جستجو شد. واژه‌های کلیدی شامل سودآوری بانک‌ها، عوامل سیکلی، عوامل ساختاری و عوامل خاص بانک‌ها جستجو گردید. از مجموع ۲۷۳ مقاله و گزارش یافت شده، پس از غربالگری ۵۹ مرجع جهت تجزیه و تحلیل انتخاب شد و تعدادی به علت نامرتب بودن با موضوع طی غربالگری حذف شدند؛ به طوری که ۹۱ مرجع به دلیل عنوان و چکیده، ۷۸ مرجع به جهت محتوا و کیفیت نشریه و ۴۵ مرجع به علت کیفیت و روش پژوهش رد شدند. در ادامه آمار توصیفی برای تحقیقات نمونه ارائه شده است. جدول ۱، جدول زمانی مقالات منتشر شده نمونه را نشان می‌دهد. در این مقاله، تقریباً نیمی از ادبیات (۵۷٪) برگرفته از آخرین چندک زمانی، یعنی دوره ۲۰۱۶-۲۰۲۴ می‌باشد که بر اهمیت تحقیق تأکید می‌کند.

جدول ۱: تعداد انتشارات بر حسب سال

سال	تعداد مقالات منتشر شده
۱۹۷۹	۱
۱۹۸۹	۱
۱۹۹۲	۱
۱۹۹۹	۱
۲۰۰۴	۳
۲۰۰۶	۱
۲۰۰۷	۳
۲۰۰۸	۱
۲۰۰۹	۲
۲۰۱۰	۳
۲۰۱۱	۳
۲۰۱۲	۳
۲۰۱۵	۲
۲۰۱۶	۴
۲۰۱۷	۴
۲۰۱۸	۷
۲۰۱۹	۸
۲۰۲۰	۳
۲۰۲۱	۵
۲۰۲۲	۱
۲۰۲۳	۱
۲۰۲۴	۱
کل	۵۹

به‌طور خاص، ادبیات تحقیق پس از سال ۲۰۱۰ (۷۵٪ از نمونه) یعنی مدت‌ها پس از شروع تحقیقات در مورد عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها افزایش یافت. دو دلیل عمده برای این تأخیر می‌توان در نظر گرفت: اول، دسترسی به داده‌ها، جمع‌آوری داده‌ها دشوار است و بانک‌ها به‌دلیل مقررات و قوانین بانکی به این داده‌ها توجه دارند. دوم، علاقه به تحقیق در مورد سودآوری بانک‌ها با اثرات شدید بحران مالی ۲۰۰۷، افزایش یافت. تنها بخش اندکی (۶٪ از مقالات)، مربوط به قبل از سال ۲۰۰۰ هستند. با این حال، این منابع شامل برخی از بهترین منابع رتبه‌بندی شده و پر استناد در نمونه است. علی‌رغم سوگیری استنادی منطقی برای مطالعات قدیمی‌تر، عموماً این مطالعات را می‌توان معنادار و با کیفیت قلمداد نمود. تحقیقات در مورد عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها در مجموعه‌ای متنوع از مجلات منتشر شده است. نقش رهبری را برای تحقیقات در این زمینه به مجله بانکداری و مالی می‌توان نسبت داد که مجموعاً ۱۰٪ از کل مطالعات نمونه را شامل می‌گردد.

برای شناسایی یک مفهوم معنی‌دار، از فرآیند کدگذاری باز در سه مرحله استفاده شده است؛ مثل تابور و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) و مانز<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) ابتدا هر مرجع با برچسب‌های توصیفی مناسب به‌صورت جدول (۲) برچسب‌گذاری گردید. سپس برچسب‌های مشابه در ۱۷ گروه وسیع‌تر متمرکز شد که به کدهای محوری یا ثانویه اشاره دارد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). در نهایت براساس یک بررسی سیستماتیک مفهوم محور که سه بعد کلی را در بر می‌گیرد، به تحلیل مطالعات انجام شده پرداخته شد. جدول (۳) یافته‌های مقاله را در یک ماتریس تحلیلی مفهوم محور نشان می‌دهد. در پایین ماتریس، تعداد توزیعی کدهای دستوری ثانویه ذکر شده است. براساس این توزیع درصد متغیرهای استفاده شده (PUI) محاسبه گردیده است. PUI فراوانی کد دستوری ثانویه تقسیم بر تعداد کل مقالات نمونه است (استون رومر و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). هدف از انجام این کار شناسایی شکاف‌های تحقیقاتی است که در هر بخش به آن پرداخته می‌شود. به‌عنوان مثال (PUI = 0.1) نشان می‌دهد ۱۰٪ از تحقیقات نمونه بر یک نظریه، متغیر یا روش تأکید داشته‌اند (شوک و همکاران، ۲۰۰۳).

---

1. Tabor et al

2. Manz

3. Stone-Romero et al

جدول ۲: کدگذاری تجزیه و تحلیل مفهوم محور

ابعاد کل	کدهای دستوری ثانویه	کدهای دستوری اولیه	منابع	
عوامل سبکی	محیط اقتصادی	رشد GDP (سیکل GDP)	جالیلوف و بیسه (۲۰۱۶)	مولینوکس و تورنتون (۱۹۹۲)
		نرخ بیکاری	اسلام و نیشیاما (۲۰۱۶)	دمیرگوک کانت و هیوزینگا (۱۹۹۹)
		فعالیت های اقتصادی	مهربان پور و همکاران (۲۰۱۷)	موداس و فرناندز (۲۰۰۴)
	نرخ بهره	کسری تجاری	نظریان و همکاران (۲۰۱۷)	دی یانگ و رایس (۲۰۰۴)
		درجه ریسک (جهانی)	اوزیلی و اوادیاله (۲۰۱۷)	آلبرتازی و گامیاکورتا (۲۰۰۶)
		ناسازگاری	پورمهر و همکاران (۲۰۱۸)	پاسیورس و کاسمیدو (۲۰۰۷)
		سیاست های پولی	قربانی و همکاران (۲۰۱۸)	آپرگیس (۲۰۰۷)
	بدهی دولت	سطح قیمت ها	کولشین و همکاران (۲۰۱۸)	آناناسوفلو و همکاران (۲۰۰۸)
		نرخ مبادله	جمل و منصور (۲۰۱۸)	آلبرتازی و گامیاکورتا (۲۰۰۹)
		اندوخته قانونی	دی-رامون و همکاران (۲۰۱۹)	بن خدیوی و بن خدیوی (۲۰۰۹)
		کسری مالی	مارتینز و همکاران (۲۰۱۹)	نوری بروجردی و همکاران (۲۰۱۰)
	تورم	موانع تجاری	آزاد و همکاران (۲۰۱۹)	هفرنان و فو (۲۰۱۰)
		بدهی به عنوان درصدی از GDP	باتن و وین وو (۲۰۱۹)	دیتریخ و وانزن رید (۲۰۱۰)
		مخارج دولت	خادمی و همکاران (۲۰۲۰)	میرزایی و میرزایی (۲۰۱۱)
	شرایط کسب و کار	نرخ اوراق خزانه	الکدکاف و همکاران (۲۰۲۰)	آلپر و انبر (۲۰۱۱)
		اوراق بهادار	آوگری و همکاران (۲۰۲۱)	سیدنورانی و همکاران (۲۰۱۲)
		کسری حساب جاری	کومار و همکاران (۲۰۲۱)	کوراگ و همکاران (۲۰۱۲)
		ثبات مالی	آستریو و همکاران (۲۰۲۱)	پتیا و همکاران (۲۰۱۵)
		نرخ ارز	ابراهیمی و همکاران (۲۰۲۱)	رحمان و دیگران (۲۰۱۵)
		مالیات ها	شعبانی و همکاران (۲۰۲۳)	نجفی شریعت زاده و همکاران (۲۰۱۶)
		یوان و همکاران (۲۰۲۲)	احمد و شهارالدین (۲۰۱۶)	
عوامل ساختاری	تمرکز بازار	شفافیت	جالیلوف و بیسه (۲۰۱۶)	شورت (۱۹۷۹)
		فساد	اسلام و نیشیاما (۲۰۱۶)	بروکه (۱۹۸۹)
		حاکمیت شرکتی	مهربان پور و همکاران (۲۰۱۷)	مولینوکس و تورنتون (۱۹۹۲)
	رقابت پذیری	آزادی اقتصادی	فطرس و همکاران (۲۰۱۸)	دمیرگوک کانت و هیوزینگا (۱۹۹۹)
		قوانین	قربانی و همکاران (۲۰۱۸)	موداس و فرناندز (۲۰۰۴)
		سیستم قضائی	جمل و منصور (۲۰۱۸)	گذار و همکاران (۲۰۰۴)
		نظارت	الحرابی (۲۰۱۹)	آلبرتازی و گامیاکورتا (۲۰۰۶)
		کنترل های داخلی بانک	نورانی (۲۰۱۹)	مایکو و همکاران (۲۰۰۷)
		اجرای قوانین	دی-رامون و همکاران (۲۰۱۹)	آپرگیس (۲۰۰۷)
		شرایط اجتماعی-اقتصادی	هوانگ (۲۰۲۰)	آناناسوفلو و همکاران (۲۰۰۸)

ابعاد کل	کدهای دستوری ثانویه	کدهای دستوری اولیه	منابع		
	مالکیت	محیط نهادی	الکدک و همکاران (۲۰۲۰)	بن خدیوی و بن خدیوی (۲۰۰۹)	
		نظارت احتیاطی	لطفی کلهری و همکاران (۲۰۲۱)	نوری بروجردی و همکاران (۲۰۱۰)	
	ساختار نهادی و نظارتی	حمایت از حقوق مالکیت معنوی	آوگری و همکاران (۲۰۲۱)	آنا و همکاران (۲۰۱۱)	
		ساختار مالکیت	کومار و همکاران (۲۰۲۱)	ژانگ و همکاران (۲۰۱۲)	
		درجه رقابت پذیری	آستریو و همکاران (۲۰۲۱)	کوراگ و همکاران (۲۰۱۲)	
		تمرکز بازار بانکی	ابراهیمی و همکاران (۲۰۲۱)	رحمان و دیگران (۲۰۱۵)	
		ساختار صنعت	شعبانی و همکاران (۲۰۲۳)	پتربیا و همکاران (۲۰۱۵)	
				احمد و شهاردین (۲۰۱۶)	
	عوامل خاص بانک		کل دارایی‌ها	احمد و شهاردین (۲۰۱۶)	شورت (۱۹۷۹)
			کل بدهی‌ها	جالیلوف و پیسه (۲۰۱۶)	بروکه (۱۹۸۹)
هزینه کل			اوزلی و اوادیاله (۲۰۱۷)	دمیرگوک کانت و هیوزینگا (۱۹۹۹)	
اندازه		درآمد کل	مهربان پور و همکاران (۲۰۱۷)	دی یانگ و رایس (۲۰۰۴)	
		حقوق صاحبان سهام	نظریان و همکاران (۲۰۱۷)	گارد و همکاران (۲۰۰۴)	
مدل کسب و کار		وام‌ها	فتاحی و همکاران (۲۰۱۷)	موداس و فرناندز (۲۰۰۴)	
		مانده مطالبات غیر جاری	فطرس و همکاران (۲۰۱۸)	آلبرتازی و گامیاکورتا (۲۰۰۶)	
تنوع بخشی		سهام از بازار سپرده	پورمهر و همکاران (۲۰۱۸)	پاسیورس و کاسمیدو (۲۰۰۷)	
		سهام از بازار تسهیلات	قربانی و همکاران (۲۰۱۸)	آناناسولفو و همکاران (۲۰۰۸)	
کارایی		کارمزدها	آقای چادگانی و بخردی نسب (۲۰۱۸)	بن خدیوی و بن خدیوی (۲۰۰۹)	
		هزینه‌های عملیاتی	باقری و همکاران (۲۰۱۸)	آلبرتازی و گامیاکورتا (۲۰۰۹)	
نسبت وام به دارایی		درآمدهای عملیاتی	کولشین و همکاران (۲۰۱۸)	نوری بروجردی و همکاران (۲۰۱۰)	
		هزینه‌های پرسنلی	جمل و منصور (۲۰۱۸)	هفرنان و فو (۲۰۱۰)	
نسبت بدهی به دارایی		کیفیت مدیریت	عبدی و همکاران (۲۰۲۰)	میرزایی و میرزایی (۲۰۱۱)	
		نقدشوندگی	مارتینز و همکاران (۲۰۱۹)	آلبر و آنبر (۲۰۱۱)	
نسبت مالکانه		نقدینگی	نورابینی (۲۰۱۹)	آنا و همکاران (۲۰۱۱)	
		مدیریت ریسک	الکدک و همکاران (۲۰۲۰)	ژانگ و همکاران (۲۰۱۲)	
کیفیت دارایی‌ها		بهبوری	آوگری و همکاران (۲۰۲۱)	کوراگ و همکاران (۲۰۱۲)	
		درآمدهای مشاع	کومار و همکاران (۲۰۲۱)	سیدنورانی و همکاران (۲۰۱۲)	
		درآمدهای غیرمشاع	آستریو و همکاران (۲۰۲۱)	پتربیا و همکاران (۲۰۱۵)	
		سپرده	یوان و همکاران (۲۰۲۳)	رحمان و دیگران (۲۰۱۵)	
		تسهیلات	شعبانی و همکاران (۲۰۲۳)	نجفی شریعت زاده و همکاران (۲۰۱۶)	
			رحمانی و همکاران (۲۰۲۴)	اسلام و نیشیاما (۲۰۱۶)	



جدول ۳: ادامه

۱۹۹۹-۲۰۰۸	ROA, ROE	موتیس	داده‌های ۴۳۳ بانک تجاری	روش پانل دیتا نامتعادل	X	X			X									X	X		۲۰۱۰	دیفریج و مارتل رید
۲۰۰۳-۲۰۰۸	ROA	گروسی	داده‌های ۲۸ بانک تجاری گروسی	پانل دیتای پویا	X	X	X	X	X	X											۲۰۱۱	بررسی تحقیقات عملیاتی گروسی
۱۹۹۹-۲۰۰۸	ROA, ROE	خاورمیانه	داده‌های اقتصاد کلان و صورت‌های مالی بانک‌های خاورمیانه	روش پانل دیتا	X	X		X												X	۲۰۱۱	بررسی‌های اقتصادی ایران
۲۰۰۲-۲۰۱۰	ROA, ROE	ترکیه	داده‌های اقتصاد کلان و صورت‌های مالی ۱۰ بانک تجاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ترکیه	پانل دیتای نامتعادل	X	X	X	X												X	۲۰۱۱	تحقیقات اقتصادی و کسب و کار
۲۰۰۳-۲۰۰۹	ROA, ROE	آسیا (ایران)	داده‌های ۱۸ بانک ایرانی	روش پانل دیتا	X	X	X		X											X	۲۰۱۲	پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی
۱۹۹۹-۲۰۰۸	NIM	چین	نمونه‌ای از ۱۳۳ بانک تجاری چین در ۳۱ منطقه	روش پانل دیتا اثرات ثابت FE	X			X													۲۰۱۲	بررسی‌های اقتصادی چین
۲۰۰۵-۲۰۱۰	ROA	مقدونیه	داده‌های اقتصاد کلان و صورت‌های مالی نمونه‌ای از ۱۶ بانک در سیستم بانکی مقدونیه	روش پانل دیتای پویا، رگرسیون GMM	X															X	۲۰۱۲	علوم انسانی و رفاه
۲۰۰۴-۲۰۱۱	ROA, ROE	اروپا	داده‌های سالانه اقتصاد کلان و نمونه‌ای ۱۰۸۸ بانک از ۲۷ کشور اتحادیه اروپا	روش پانل دیتا	X	X		X						X	X	X					۲۰۱۵	پروژه اقتصاد و مالی
۲۰۰۶-۲۰۱۳	ROA, ROE, NIM	بنگلادش	داده‌های اقتصاد کلان و نمونه‌ای از ۲۵ بانک تجاری بنگلادش	روش پانل دیتا، رگرسیون GMM	X	X		X						X	X					X	۲۰۱۵	مجله بین‌المللی کسب و کار و مدیریت
۲۰۰۹-۲۰۱۳	ROA	آسیا (ایران)	نمونه‌ای از ۸ بانک تجاری پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران	الگوی خود توضیح برداری با وقفه‌های توزیعی ARDL	X	X	X													X	۲۰۱۶	مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار (مدیریت بزرگ‌مقیاس)
۲۰۰۳-۲۰۱۴	RAR	جهانی	داده‌های ۷۸ بانک آسیایی شرقی و ۸۹ بانک آمریکایی لاتین	پانل دیتای نامتعادل	X	X		X						X	X					X	۲۰۱۶	بانکداری، حسابداری و مالی
۲۰۰۰-۲۰۱۳	ROA	جهانی	نمونه‌ای شامل ۲۶۵ بانک از ۱۶ اقتصاد در حال گذار	پانل دیتای نامتعادل، رگرسیون GMM	X	X		X						X	X	X				X	۲۰۱۶	تحقیق در تجارت بین‌الملل و مالی
۱۹۹۷-۲۰۱۴	ROA, ROE	جنوب آسیا	داده‌های اقتصاد کلان و بخش بانکی ۲۶۹ بانک از (بنگلادش، هند، نیپال و پاکستان) جنوب آسیا	روش پانل دیتا	X	X		X						X	X					X	۲۰۱۶	مجله پیشرفته مالی و بانکداری
۲۰۰۵-۲۰۱۴	ROE	آسیا (ایران)	داده‌های ۱۵ بانک ایرانی	رگرسیون خطی OLS	X	X	X	X	X					X	X	X				X	۲۰۱۷	مطالعات تجربی حسابداری مالی
۱۹۸۹-۲۰۱۴	NIM	آسیا (ایران)	داده‌های اقتصاد کلان و صورت‌های مالی بانک ملی ایران	روش پانل دیتای پویا، رگرسیون GMM																X	۲۰۱۷	فصلنامه اقتصاد مالی
۲۰۰۵-۲۰۱۴	ROA	آسیا (ایران)	داده‌های ۱۱ بانک تجاری ایران	رگرسیون پانل آستانه	X																۲۰۱۷	راهبردهای مدیریت مالی
۲۰۰۶-۲۰۱۵	ROA, ROE, NIM, REP	نیجریه	داده‌های اقتصاد کلان و صورت‌های مالی بانک در سیستم بانکی نیجریه	پانل دیتای پویا، رگرسیون GMM	X			X												X	۲۰۱۷	مجله کسب و کار آینده
۲۰۰۳-۲۰۱۴	ROA	آسیا (ایران)	گزارش عملکرد سالانه ۳۳ بانک ایرانی	روش پانل دیتا تخمین GLS				X	X	X										X	۲۰۱۸	پژوهش‌های اقتصاد پولی مالی (دانش و توسعه)
۲۰۰۶-۲۰۱۶	ROA, ROE, NIM	آسیا (ایران)	داده‌های تابلویی ۱۳ بانک خصوصی در ایران	خوردگرسیون پویا، ساختاری SVAR	X															X	۲۰۱۸	فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی
۲۰۰۵-۲۰۱۷	NIM	آسیا (ایران)	داده‌های اقتصاد کلان و صورت‌های مالی ۲۲ بانک دولتی و خصوصی ایران	روش پانل دیتای پویا، رگرسیون GMM	X									X	X					X	۲۰۱۸	بررسی مسائل اقتصاد ایران
۲۰۱۱-۲۰۱۶	ROA	آسیا (ایران)	نمونه‌ای از ۱۶ بانک پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران	روش پانل دیتا				X	X	X											۲۰۱۸	فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی

جدول ۳: ادامه

۲۰۰۶-۲۰۱۷	ROA	آسیا (ایران)	داده های ۱۸ بانک ایرانی	روش پاتل دنیا	X	X		X		X	X	X								فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی	۲۰۱۸	بانکی و همکاران
۲۰۰۰-۲۰۱۴	ROA	جهانی	ترازنامه های ۴۳۴ بانک از ۱۹ بازار نوظهور اقتصادی	روش پاتل دنیا پویا، رگرسیون GMM	X	X		X											X	۲۰۱۸	گولدین و همکاران	
۱۹۹۹-۲۰۱۶	ROA, ROE, NIM	ترنس	داده های ۲۲ بانک ترنس پائیرفته شده در بورس اوراق بهادار ترنس (SET)	روش پاتل دنیا، رگرسیون GLS	X	X				X	X	X							X	۲۰۱۸	جبل و منصور	
۲۰۱۲-۲۰۱۶	NIM	آسیا (ایران)	داده های مربوط به یک بانک تجاری در ایران	رویکرد پویای شناسی سیستم						X	X									۲۰۱۹	پژوهش های اقتصاد پویای مالی همکاران	
۲۰۰۹-۲۰۱۷	ROE	آسیا (ایران)	داده های سری زمانی بانک های فعال در بورس اوراق بهادار و بانک ملی ایران	رویکرد غیرخطی تغییر رژیم مارکوف	X	X		X	X											۲۰۱۹	عبدی و همکاران	
۲۰۰۰-۲۰۱۵	ROA	اندونزی	صورت های مالی ۴۳ بانک اندونزیایی	روش پاتل دنیا پویا، رگرسیون GMM	X	X		X				X	X							۲۰۱۹	ساختارهای اقتصادی	
۲۰۰۰-۲۰۱۴	ROA, ROE, NIM	ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و آلمان	داده های ۱۰۸ بانک ایالات متحده آمریکا و بریتانیا و آلمان	روش پاتل دنیا پویا، رگرسیون FGLS	X	X		X			X								X	۲۰۱۹	تحقیق در تجارت بین المللی و مالی	
۲۰۰۰-۲۰۱۵	NIM, IEM	جهانی	نمونه ای از ۲۰ کشور با بانکداری اسلامی و بانکداری سنتی	روش پاتل دنیا	X			X											X	۲۰۱۹	بررسی های بین المللی اقتصاد و مالی	
۱۹۹۴-۲۰۱۳	ROA, ROE, NIM	انگلستان	نمونه ای از ۲۵۰ بانک تجاری تحت نظارت، لیست بانک های ساختمانی و شرکت های تابعه بانک های خارجی در انگلستان	رگرسیون کوتاتیل	X	X				X	X	X	X	X					X	۲۰۱۹	بانک انگلستان	
۲۰۰۶-۲۰۱۴	ROA, ROE, NIM	ترنس	نمونه ای از ۳۵ بانک تجاری ترنس	روش پاتل دنیا	X			X				X	X						X	۲۰۱۹	بازارهای نوظهور مالی و تجارت	
۱۹۹۸-۲۰۰۸	ROA, ROE, NIM	جهانی	داده های اقتصاد کلان و بخش بانکی ۹۹۹ بانک از ۴۲ کشور	پاتل دنیا نامعادل	X	X				X	X								X	۲۰۱۹	مجله اقتصاد، تجاری و علوم انسانی	
۲۰۰۱-۲۰۱۸	ROA, ROE, NIM	آسیا (ایران)	داده های اقتصاد کلان و صورت های مالی ۱۰ بانک ایرانی	رگرسیون خود برداری پاتل دنیا	X	X	X												X	۲۰۲۰	فصلنامه اقتصاد مالی	
۲۰۰۷-۲۰۱۸	ROA, ROE	چین	نمونه ای از ۱۶ بانک چین	روش پاتل دنیا		X				X	X									۲۰۲۰	نامه های اقتصادی	
۲۰۰۷-۲۰۱۶	ROA, ROE	منطقه یورو	داده های اقتصاد کلان و صورت های مالی ۱۰۹ بانک تحت نظارت SSM اروپا	رگرسیون OLS و کوتاتیل	X	X	X	X	X	X	X								X	۲۰۲۰	بانکداری و مالی	
۲۰۱۳-۲۰۱۹	ROA, ROE	آسیا (ایران)	نمونه ای از ۱۵ بانک پائیرفته در بورس اوراق بهادار تهران	رگرسیون خطی OLS		X					X	X	X							۲۰۲۱	رویکردهای پژوهشی نوین در حسابداری و مدیریت	
۲۰۱۱-۲۰۱۷	ROA, ROE	منطقه یورو	داده های سلاته بانکها و اقتصاد کلان ۱۶ کشور عضو منطقه یورو	رگرسیون کوتاتیل، پاتل دنیا	X	X		X			X	X							X	۲۰۲۱	مجله بازارهای مالی بین المللی، موسسات و پول	
۲۰۰۴-۲۰۱۸	ROA, ROE	ژاپن	نمونه ای از ۱۲۲ بانک ژاپنی	روش پاتل دنیا، رگرسیون GMM				X	X	X			X	X					X	۲۰۲۱	مجله مالی جهانی	
۲۰۰۵-۲۰۱۸	ROA, ROE, NIM	منطقه یورو	داده های نمونه ای از ۳۳۶ بانک از ۱۸ کشور منطقه یورو	پاتل دنیا پویا، رگرسیون GMM	X														X	۲۰۲۱	مجله رفتار اقتصادی و سازمان	
۲۰۱۳-۲۰۱۹	ROA, ROE, NIM	آسیا (ایران)	داده های اقتصاد کلان و نمونه ای از ۸ بانک دولتی و خصوصی ایران	روش پاتل دنیا	X						X		X						X	۲۰۲۱	مجله ریسک و مدیریت مالی	
۲۰۱۰-۲۰۲۱	ROA, ROE	کشورهای آسیایی	صورت های مالی سلاته بانکهای تجاری خصوصی هند و سنگاپور	روش پاتل دنیا، OLS	X	X	X				X								X	۲۰۲۲	مرز روانشناسی	
۲۰۰۹-۲۰۲۱	ROA, ROE	آسیا (ایران)	نمونه ای از ۲۰ بانک و موسسه اعتباری پائیرفته در بورس اوراق بهادار تهران	رگرسیون کوتاتیل، پاتل دنیا	X	X	X	X			X								X	۲۰۲۳	اقتصاد و الگوسازی	
۲۰۱۱-۲۰۱۹	NIM	آسیا (ایران)	صورت های مالی بانک سرمایه و اطلاعات بانک مرکزی	رگرسیون GMM		X					X									۲۰۲۴	دانش سرمایه گذاری	
۴۳ ۳۳ ۷ ۱۸ ۳۴ ۹ ۴ ۱۱ ۱۶ ۱۴ ۹ ۳۸ ۶ ۲۹ ۱۳ ۱۱ ۱۱																						

### بررسی عوامل سیکلی

ارتباط بین عوامل سیکلی و سودآوری بانک‌ها به‌طور اعم و توزیع شرطی سودآوری بانک‌ها به‌طور اخص همواره در قالب الگوهای اقتصادی از سوی محققان این حوزه مورد بحث و بررسی واقع شده است. در این میان نحوه تأثیرپذیری سودآوری بانک‌ها از عوامل سیکلی حائز اهمیت می‌باشد که در ادامه به بررسی و تجزیه و تحلیل این مهم پرداخته خواهد شد.

### - محیط اقتصادی

تحقیقات قابل توجهی به بررسی رابطه علی بین محیط اقتصاد کلان و سودآوری بانک‌ها پرداخته‌اند (PUI = 0.69). محققان تا حد زیادی معتقدند که شرایط اقتصاد کلان برای سودآوری بانک‌ها مهم است، به‌طوری که دارای اثر قابل توجه و سیکلی است. دمیرگوک کانت و هیوزینگا<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) اولین کسانی بوده‌اند که این نتیجه را برای نمونه بزرگی از داده‌های اقتصاد کلان و بخش بانکی ۸۰ کشور جهان طی دوره ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۵ با استفاده از روش پانل دیتا و رگرسیون حداقل مربعات وزنی (WLS) تأیید کرده‌اند.

با این حال، شرایط اقتصاد کلان که محیط اقتصادی را برای کسب‌وکارها فراهم می‌کند، تحت تأثیر متغیرهای متعددی می‌باشد. این بررسی نشان می‌دهد که ادبیات تحقیق با یک عامل واحد موافق نیست بلکه در عوض سودآوری بانک‌ها را در نظر می‌گیرد که تحت تأثیر انواع مختلفی از متغیرها، بسته به روش و نمونه هر مطالعه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

براساس یافته‌های آلبرتازی و گامباکورتا<sup>۲</sup> (۲۰۰۶)، پاسیورس و کاسمیدو<sup>۳</sup> (۲۰۰۷)، آتاناسوقلو و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۸)، آلبرتازی و گامباکورتا (۲۰۰۹)، نوری بروجردی و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۰)، کاناس و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۲)، جالیلوف و پیسه<sup>۷</sup> (۲۰۱۶)، پورمهر و همکاران (۲۰۱۸)، دی-رامون و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۱۹)، اوگری و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۲۱)، ابراهیمی و همکاران (۲۰۲۱)، یوان و همکاران<sup>۱۰</sup> (۲۰۲۲) و

1. Demircuc-Kunt & Huizinga
2. Albertazzi & Gambacorta
3. Pasiouras & Kosmidou
4. Athanoglou et al
5. Nouri Borojerdi et al
6. Kanas et al
7. Djalilov & Piesse
8. De-Ramon et al
9. Avgeri et al
10. Yuan et al

شعبانی و همکاران (۲۰۲۳) رشد اقتصادی بر سودآوری نظام بانکی اثر مثبت و معناداری دارد. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که رشد اقتصادی نقش مهمی را در پایدارسازی اقتصادی و در نتیجه سودآوری بانکها دارد. ارتباط بین رشد تولید ناخالص داخلی با سودآوری بانکها به این صورت است که با بهبود شرایط اقتصادی تقاضای تسهیلات توسط خانوارها و بنگاهها افزایش یافته و به دنبال آن شرایط مالی قرض‌دهندگان (بانکها) از محل سود حاصل از بازپرداخت تسهیلات بهبود یافته و به عبارت دیگر سودآوری بانکی افزایش می‌یابد. بنابراین، رشد اقتصادی یک متغیر گسترده و متداول اقتصاد کلان است که در مطالعات انجام شده به‌عنوان محیط اقتصادی در تعیین عملکرد بانکها مؤثر قلمداد شده است. در این راستا محققان (آلبرتازی و گامباکورتا، ۲۰۰۹؛ کاناس و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲؛ نظریان و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷) معتقدند که فعالیتهای بانکها باید به‌نحوی تنظیم گردند که در دوران رونق و رکود به بهینه‌ترین حالت ممکن برسند. یعنی رفتارها در دوره‌های رونق و رکود با هم متفاوت باشند، به‌طوری که بانکها در دوران رکود و در جهت کسب سود بیشتر باید سرمایه‌گذاری و کیفیت دارایی را مد نظر قرار داده و در دوران رونق وضعیت نقدینگی را بهبود بخشیده تا با ریسک نقدینگی روبرو نشوند. اما برخی دیگر از محققان از جمله قربانی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) که تحقیق خود را با استفاده از داده‌های اقتصاد کلان و صورت‌های مالی ۲۲ بانک دولتی و خصوصی ایران و بهره‌گیری از روش پانل دیتای پویا برای بررسی تأثیر ادوار تجاری بر سوددهی بانکها انجام داده‌اند، اذعان می‌دارند که دوره‌های رونق و رکود با یک وقفه، دارای رابطه مثبت و معنی دار با میزان سوددهی بانکها است. یعنی رونق فعالیت‌های اقتصادی در دوره گذشته، سوددهی بانکها در دوره جاری را افزایش و رکود در فعالیت‌های اقتصادی در دوره گذشته، سوددهی بانکها در دوره جاری را کاهش می‌دهد. با این حال، تان و فلوروس<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) که به بررسی ارتباط بین رشد تولید ناخالص داخلی و سودآوری بانک در چین پرداخته‌اند، به رابطه‌ای منفی بین هر دو متغیر رسیده‌اند. آنها استدلال می‌کنند که رشد اقتصادی محیط کسب‌وکار را بهبود می‌بخشد و موانع ورود بانکها را کاهش می‌دهد، در نتیجه افزایش رقابت باعث کاهش سودآوری بانکها می‌شود.

- 
1. Kanas et al
  2. Nazarian et al
  3. ghorbani et al
  4. Tan & Floros

### - نرخ بهره

جنبه‌های پولی که در نرخ بهره خود را نشان می‌دهد موضوعی مهم در ادبیات اقتصاد کلان است که با سیکل‌های اقتصادی مرتبط می‌باشد، به طوری که مطالعات قابل توجهی در این زمینه انجام شده است (PUI = 0.19). مولینوکس و تورنتون<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) از اولین محققانی بوده‌اند که از متغیر نرخ بهره در مدل‌های بررسی سودآوری بانک‌ها استفاده نموده‌اند. به طوری که با استفاده از داده‌های اقتصاد کلان و نمونه‌ای از بانک‌های اروپایی برای دوره ۱۹۸۶-۱۹۸۹ با به کارگیری رگرسیون خطی نشان داده‌اند که بر خلاف شورت<sup>۲</sup> (۱۹۷۹) و بروکه (۱۹۸۹) که معتقد بودند رابطه معکوس معنادار آماری بین بازدهی سرمایه و مالکیت دولتی وجود دارد، یک رابطه مثبت معنادار آماری بین بازدهی سرمایه و مالکیت دولتی نسبت به رقبای بخش خصوص وجود دارد. آن‌ها در مطالعه خود از نرخ بهره به عنوان متغیر پراکسی کمبود سرمایه استفاده نموده‌اند.

موداس و فرناندز<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) معتقدند که نوسانات نرخ بهره، ریسک بازار را برای بانک‌ها نشان می‌دهد و بانک‌هایی که ریسک بازار را به خوبی پیش می‌کنند به سودآوری بهتری خواهند رسید. همچنین آلبرتازی و گامباکورتا (۲۰۰۶) بیان داشته‌اند که سودآوری بانک‌ها به صورت سیکلی است، اما یک استثناء در مورد درآمد غیر بهره‌ای بانک‌ها وجود دارد که از طریق کاهش توزیع سودآوری بانک‌ها در کشورهای منطقه یورو به یک بی‌ثباتی ساختاری تبدیل شده و آن واکنش متفاوت بانک‌ها به نوسانات نرخ بهره است که احتمالاً ناشی از سیاست‌های پولی می‌باشد. آلبرتازی و گامباکورتا (۲۰۰۹) نیز بینش آن‌ها را تأیید می‌کنند. علاوه بر این، محققان دیگری از جمله اسلام و نیشیاما<sup>۴</sup> (۲۰۱۶)، مهربان پور و همکاران (۲۰۱۷) از نرخ بهره در مطالعات خود استفاده نموده و معتقدند که نرخ بهره پایین و فشارهای رقابتی در بین بانک‌ها توانایی بانک‌ها را برای قیمت‌گذاری مناسب وام‌ها و سپرده‌ها محدود می‌نماید و این ممکن است حاشیه سود عملیاتی بانک‌ها را تحت فشار قرار داده و اثر منفی بر سودآوری آن‌ها داشته باشد. آلپر و آنبر<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) که مطالعه خود را با استفاده از روش پانل دیتای متعادل به ارزیابی سودآوری ۱۰ بانک تجاری پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار ترکیه برای دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۲ پرداخته‌اند، ادعان داشته‌اند که بین نرخ بهره و سودآوری بانک‌ها رابطه مثبتی وجود دارد. همچنین،

- 
1. Molyneux & Thornton
  2. Short
  3. Maudos & Fernández de Guevara
  4. Islam & Nishiyama
  5. Alper & Anbar

گنگ و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) با استفاده از نسبت درآمد بهره به کل تسهیلات به عنوان معیاری برای بازدهی نرخ بهره تسهیلات، اثرات نرخ‌های بهره را بر ریسک بانکی در چین بررسی کردند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که سطح پایین‌تر سود حاصل از تسهیلات بانکی نشان‌دهنده سودآوری کمتر بانک‌ها است. آن‌ها همچنین ادعا می‌کنند که نرخ بهره پایین تسهیلات نشان می‌دهد که اقساط برخی از تسهیلات پرداختی وصول نمی‌شوند و به وام‌های غیرجاری تبدیل می‌شوند که باعث افزایش ریسک نکول می‌شود. بنابراین، برای دستیابی به سود هدف، بانک‌ها باید در پروژه‌ها یا ابزارهای مالی پرریسک سرمایه‌گذاری کنند.

### – بدهی دولت

تحقیقات قابل ملاحظه‌ای درخصوص تأثیر بدهی دولت بر سودآوری بانک‌ها انجام شده است (PUI = 0.22). دولت‌ها برای پرداخت بدهی خود از طریق سیاست پولی انبساطی یا سیاست مالی انقباضی (افزایش مالیات‌ها) اقدام می‌نمایند. دمیرگوک کانت و هیوزینگا (۱۹۹۹) با استفاده از داده‌های بانکی ۸۰ کشور و بهره‌گیری از روش داده‌های ترکیبی و حداقل مربعات وزنی (WLS) برای دوره ۱۹۸۸-۱۹۹۵ به بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها پرداخته و در مدل خود نرخ مالیات را نیز لحاظ نموده‌اند. آن‌ها معتقدند که مالیات، هزینه‌های سربار و وام‌های غیرجاری سودآوری بانک‌ها را کاهش می‌دهد. همچنین، از مطالعات دیگری که به ابعاد بدهی دولت پرداخته‌اند می‌توان به مطالعه آستریو و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) اشاره نمود که با استفاده از داده‌های نمونه‌ای از ۳۲۶ بانک از ۱۹ کشور منطقه یورو برای دوره ۲۰۱۸-۲۰۰۵ و بهره‌گیری از روش پانل دیتای متعادل و پانل دیتای پویا به بررسی اثر فساد، شفافیت، آزادی اقتصادی و مقررات بانکی به ارزیابی سودآوری بانک‌ها پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از متغیر ساختگی میانگین وزنی ابعاد بار مالیاتی، مخارج دولت و سلامت مالی در مدل خود نشان می‌دهند که متغیرهای مورد مطالعه تأثیر بسزایی بر سودآوری بانک‌ها دارند.

### – تورم

در ادبیات تحقیق مطالعات زیادی به بررسی رابطه تورم و سودآوری بانک‌ها پرداخته‌اند (PUI = 0.49). پس از شورت (۱۹۷۹) و بروکه (۱۹۸۹)، مولینوکس و تورتون (۱۹۹۲) اولین

1. Geng et al

2. Asteriou et al

محققانی بوده‌اند که در مطالعه ارزیابی سودآوری بانک‌ها از متغیر نرخ تورم استفاده نموده‌اند. آن‌ها با استفاده از نمونه‌ای از بانک‌های اروپایی (شامل ۶۷۱ بانک در سال ۱۹۸۶، ۱۰۶۳ بانک در ۱۹۸۷، ۱۳۷۱ بانک در ۱۹۸۸ و ۱۱۰۸ بانک در ۱۹۸۹) و روش حداقل مربعات معمولی (OLS) به ارزیابی سودآوری بانک‌های ۱۸ کشور اروپایی پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها حاکی از وجود رابطه مثبت معنادار آماری بین تورم و سودآوری بانک‌ها می‌باشد.

با توجه به تأثیر تورم بر هزینه‌ها و درآمدهای واقعی بانک و بررسی ادبیات تحقیق در این زمینه، می‌توان بیان داشت که تورم می‌تواند بر سودآوری بانک‌ها اثر مثبت یا منفی داشته باشد. مطالعه پری<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) نیز این استدلال را تأیید می‌نماید. به طوری که، از یک طرف برخی از محققان از جمله: شورت (۱۹۷۹)، بروکه (۱۹۸۹)، دمیرگوک کانت و هیوزینگا (۱۹۹۹)، پاسیورس و کاسمیدو<sup>۲</sup> (۲۰۰۷)، آتاناسوقلو و همکاران (۲۰۰۸)، میرزایی و میرزایی<sup>۳</sup> (۲۰۱۱)، آلپر و آنبر (۲۰۱۱)، نظریان و همکاران (۲۰۱۷)، کومار و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۲۱) معتقدند که یک رابطه مثبت معنادار آماری بین تورم و سودآوری بانک‌ها وجود دارد. آلپر و آنبر (۲۰۱۱) اذعان می‌دارند که اگر نرخ تورم توسط بانک‌ها پیش‌بینی شود، بانک‌های می‌توانند نرخ بهره خود را با توجه به هزینه‌ها تعدیل کنند و سودآوری آن‌ها تأمین شود. اما اگر نرخ تورم توسط بانک‌ها پیش‌بینی نشود، ممکن است نتوانند با تعدیل نرخ بهره هزینه‌های خود را پوشش دهند و تورم دارای یک اثر بر سودآوری آن‌ها باشد. از طرف دیگر برخی از محققان عدم وجود رابطه یا عدم وجود رابطه مثبت بین تورم و سودآوری بانک‌ها را تأیید نموده‌اند. به‌عنوان مثال نتایج مطالعه قربانی و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که تورم دارای رابطه معنی‌داری با سوددهی بانک‌ها نمی‌باشد. همچنین، ابراهیمی و همکاران (۲۰۲۱) نشان داده‌اند که نرخ تورم سودآوری بانک‌ها را کاهش می‌دهد. آن‌ها که با استفاده از داده‌های اقتصاد کلان و نمونه‌ای از ۸ بانک دولتی و ۱۸ بانک خصوصی ایران و بهره‌گیری از روش پانل دیتا به ارزیابی سودآوری بانک‌های ایران برای دوره ۲۰۱۳-۲۰۱۹ به‌وسیله سه شاخص ROA, ROE, NIM پرداخته‌اند، معتقدند که رابطه منفی بین تورم و سودآوری در بخش بانکی ایران نشان می‌دهد که پیش‌بینی تورم در ایران آسان نیست و نرخ‌های بهره براین اساس با همین نرخ تورم پیش‌بینی شده تعدیل می‌شود.

1. Perry
2. Pasiouras & Kosmidou
3. Mirzaei & Mirzaei
4. Kumar et al

با توجه به آنچه بیان گردید در مقاله حاضر، محقق معتقد است بین تورم و سودآوری بانکها رابطه مثبت وجود دارد. چرا که در دوره‌های تورمی بانکها بیشتر تمایل به نگهداری دارایی‌های ثابت و منقولات دارند که از آن تحت عنوان "بنگاه داری بانکها" یاد می‌شود. بدین ترتیب بانکها بر اثر گذشت زمان سرمایه خود را از اثرات تورمی حفظ نموده و حتی در مواردی می‌تواند منبعی برای سودآوری آنها باشد. اما باید به این نکته توجه داشت که با افزایش تورم، ارزش پول و به دنبال آن ارزش واقعی بدهی کاهش می‌یابد و اخذ اعتبار در این شرایط برای صاحبان کسب و کار و متقاضیان وام و تسهیلات بانکی علی‌رغم افزایش نرخ بهره<sup>۱</sup> به صرفه‌تر خواهد بود. درحالی‌که این خطر احساس می‌گردد که در شرایط تورمی شدید بانکها کارایی خود را از دست داده و چون به نگهداری دارایی‌های ثابت و املاک تملیکی می‌روند از نقش خود که واسطه‌گری مالی است خارج شوند.

#### - شرایط کسب و کار

شرایط کسب و کار به‌عنوان یکی از علل و عوامل ایجاد سیکل‌های اقتصادی در ادبیات اقتصاد کلان مورد توجه قرار گرفته است ( $PUI = 0.1$ ). دی یانگ و رایس<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) اولین محققانی بوده‌اند که به‌طور خاص به بررسی تأثیر شرایط کسب و کار بر سودآوری بانکها پرداخته‌اند. آنها با استفاده از روش پانل دیتای پویا روابط تجربی بین درآمد بدون بهره بانک، استراتژی‌های تجاری، شرایط کسب و کار، تغییرات تکنولوژیکی و عملکرد مالی طی دوره ۲۰۰۱-۱۹۸۹ را برای بانک‌های تجاری آمریکا بررسی نموده‌اند. نتایج مطالعه آنها در این زمینه نشان می‌دهد که شرایط کسب و کار و درآمدهای غیربهره‌ای بانکها رابطه‌ای مثبت دارند. ضریب مثبت شرایط کسب و کار بر سودآوری بانکها روی رشد شغلی اثر متقابل داشته و به‌ازای هر واحد پولی از دارایی، مقادیر بالاتری از درآمد بدون بهره کسب می‌گردد. همچنین، مایکو و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) با استفاده از روش پانل دیتا به بررسی تجربی تأثیر مالکیت بانک بر سودآوری بانکها برای نمونه‌ای متشکل از ۴۹۸۰۴ بانک دولتی و غیر دولتی طی دوره ۲۰۰۲-۱۹۹۵ پرداخته‌اند. آنها در مطالعه خود شرایط کسب و کار را از طریق

۱. مطابق ادبیات اقتصاد کلان چنانچه سطح قیمت‌ها افزایش یابد نخستین متغیر تأثیرپذیر از افزایش سطح قیمت‌ها تعادل سطح حقیقی پول است. به عبارت دیگر، با افزایش سطح قیمت‌ها عرضه حقیقی پول کاهش می‌یابد. کاهش عرضه حقیقی پول سبب اختلالاتی در اقتصاد می‌شود. براساس تعادل والرایی برای این که در مجموع در اقتصاد تعادل برقرار شود بروز مازاد تقاضای پول در بازار پول سبب ایجاد مازاد عرضه در بازار اوراق می‌شود که این امر سبب کاهش قیمت اوراق قرضه و افزایش نرخ بهره بازار می‌شود، بنابراین از لحاظ تئوریک انتظار بر این است که با افزایش سطح قیمت‌ها نرخ بهره اسمی افزایش یابد.

2. DeYoung & Rice

3. Micco & Yañez

هزینه سربار و تعداد کارکنان مورد بررسی قرار داده و شرایط کسب‌وکار را مؤثر بر سودآوری بانک‌ها دانسته‌اند. علاوه بر این، دی-دی-رامون و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در تحقیقی که به بررسی رقابت و ثبات بانکی در انگلستان پرداخته‌اند نرخ بیکاری را به‌عنوان پراکسی شرایط کسب‌وکار در مدل خود آورده‌اند. آن‌ها تحقیق خود را برای دوره ۲۰۱۳-۱۹۹۴ با استفاده از شاخص‌های سودآوری ROA، ROE و NIM بر روی نمونه‌ای از ۲۵۰ بانک تجاری تحت نظارت، انجمن‌های ساختمانی و شرکت‌های تابعه بانک‌های خارجی در انگلستان با بهره‌گیری از رگرسیون کوانتایل انجام داده و چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که تحت رگرسیون کوانتایل، منفی بودن چندک‌های پایین نشان‌دهنده ثبات رقابتی برای شرکت‌های نسبتاً ضعیف، و مثبت بودن چندک‌های بالاتر، نشان‌دهنده شکنندگی رقابت برای شرکت‌های نسبتاً باثبات است و ایجاد رقابت در صورتی مطلوب خواهد بود که مؤسسات با کارایی کمتر و با ثبات را تشویق کند تا کارآمدتر عمل نموده و ریسک‌پذیری و احتمال شکست را کاهش دهند. به عبارت دیگر، فقدان رقابت می‌تواند ناکارآمدی و ریسک‌پذیری را تقویت کند و احتمال شکست را افزایش دهد. بررسی مطالعات دیگر از جمله آپرگیس<sup>۲</sup> (۲۰۰۷)، هفرنان و فو<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) و پتریا و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) نیز نشان می‌دهد که بین شرایط کسب‌وکار و سودآوری بانک‌ها رابطه مثبت معنادار آماری وجود دارد. در اینجا باید به این نکته توجه داشت که اکثر مطالعات شرایط کسب‌وکار را از طریق نرخ بیکاری و شرایط اشتغال با سودآوری بانک‌ها مرتبط دانسته‌اند؛ چرا که در شرایط بد کسب‌وکار که نرخ بیکاری افزایش می‌یابد، توان مالی مشتریان اعتباری بانک‌ها کاهش یافته و در بازپرداخت تسهیلات دچار مشکل می‌شوند و به‌دنبال آن مطالبات غیر جاری بانک‌ها افزایش و کیفیت دارایی بانک‌ها کاهش می‌یابد، در نتیجه سودآوری بانک‌ها در جهت منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

### عوامل ساختاری

یکی از جنبه‌های قابل توجه در بررسی سودآوری بانک‌ها تجزیه و تحلیل ساختار نظام بانکی است. چرا که عملکرد نظام بانکی به‌طور اعم و سودآوری بانک‌ها به‌طور اخص در بستر همین ساختار شکل گرفته است.

1. De-Ramon et al
2. Apergis
3. Heffernan
4. Petria et al

## - تمرکز

ادبیات تجربی گسترده و متنوعی در بررسی تأثیر تمرکز بر سودآوری بانکها وجود دارد (PUI = 0.47). تمرکز بازار وضعیتی است که در آن، بازار به وسیله تعداد کمی از بنگاههای پیشرو کنترل می‌شود. هر چه توزیع بازار بین بنگاههای موجود در آن بازار نابرابرتر باشد، تمرکز بازار بیشتر خواهد بود. همچنین، با فرض ثبات سایر شرایط، هر چه تعداد بنگاههای موجود در بازار بیشتر باشد، تمرکز آن بازار کمتر خواهد بود. لذا تمرکز بازار رابطه مستقیمی با نابرابری در توزیع سهم بازاری بنگاهها و رابطه معکوسی با تعداد بنگاهها دارد (دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی ایران، ۲۰۰۸). اولین مطالعه جدی در این زمینه را باید در آثار شورت (۱۹۷۹) دید. شورت (۱۹۷۹) ارتباط بین نرخهای سود و تمرکز در بازار بانکداری ۶۰ بانک در ۱۰ کشور کانادا، دانمارک، انگلستان، فرانسه، آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، هلند و سوئیس مورد بررسی قرار داده و با استفاده از رگرسیون خطی (OLS) به ارزیابی حاشیه سود بانکهای مورد مطالعه برای دوره ۱۹۷۵-۱۹۷۱ پرداخته و چنین نتیجه‌گیری کرده است که تمرکز بیشتر منجر به نرخهای سود بالاتر می‌شود. اما ضرایب کوچک نسبی متغیرهای تمرکز نشان می‌دهند که تغییرات بزرگ در میزان تمرکز بانکها موجب کاهش اندک در نرخهای سود می‌شود. تحقیق بروکه (۱۹۸۹) نیز بینش شورت (۱۹۷۹) را تأیید می‌کند. پس از شورت (۱۹۷۹) و بروکه (۱۹۸۹) تحقیقات بسیاری در این زمینه انجام شده است که در دو بخش قابل بررسی هستند. برخی از تحقیقات انجام شده نظیر؛ مولینوکس و تورنتون (۱۹۹۲)، دمیرگوک کانت و هیوزینگا (۱۹۹۹)، بن خدیری و بن خدیری<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، نوری بروجردی (۲۰۱۰)، آنا و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۱)، کوراک و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۲)، پتیریا و همکاران (۲۰۱۵)، فطرس و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۸)، ابراهیمی و همکاران (۲۰۲۱) و شعبانی و همکاران (۲۰۲۳) به این نتیجه رسیده‌اند که بین تمرکز در بانکداری و سودآوری رابطه مثبت معنادار آماری وجود دارد. درحالی‌که نتایج برخی دیگر از تحقیقات نظیر؛ مهربان پور و همکاران (۲۰۱۷)، باقری و همکاران (۲۰۱۸)، نوراینی<sup>۵</sup> (۲۰۱۹)، دی-دی-رامون و همکاران (۲۰۱۹)، عبدی و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۹) از این واقعیت حکایت می‌کند که بین تمرکز در بانکداری و سودآوری رابطه معکوس معنادار آماری وجود دارد.

1. Khediri &amp; Khedhiri

2. Ana et al

3. Curak et al

4. Fotros et al

5. Nuraini

6. Abdi et al

همچنین تحقیق لطفی کلهری و همکاران (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که بین تمرکز و سودآوری (بازده کل دارایی‌ها) ارتباط مستقیم وجود دارد، اما بین تمرکز و سودآوری (بازده حقوق صاحبان سهام) ارتباط معناداری وجود ندارد. برگر<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) و آتاناسوقلو و همکاران (۲۰۰۸) استدلال می‌کنند که مدیریت بهره‌وری و کارایی<sup>۲</sup> نه تنها باعث افزایش سودآوری بانک‌ها می‌شود، بلکه ممکن است منجر به افزایش سهم بازار و در نتیجه افزایش تمرکز شود، به طوری که یافتن رابطه مثبت بین تمرکز و سود ممکن است ناشی از یک رگرسیون کاذب به دلیل همبستگی با متغیرهای دیگر باشد. در نتیجه، برای کنترل سایر عوامل، باید نقش تمرکز را قابل اغماض در نظر گرفت<sup>۳</sup>. همچنین براساس این منطق فکری که فرضیه کارایی نامیده می‌شود، دهقان دهنوی و همکاران (۲۰۱۲) بحث می‌کنند که ساختار صنعت دیگر یک متغیر برونزا نیست، بلکه متغیر درونزایی است که خود تحت تأثیر کارایی قرار دارد. در این فرضیه به جای تأکید بر رفتار بانک‌ها در فضای رقابتی بازار، بر عوامل درونی آن‌ها یعنی کارایی به عنوان عامل تعیین کننده سودآوری تأکید می‌شود. در مقابل محققان دیگری از جمله بروکه (۱۹۸۹) و مولینوکس و تورنتون (۱۹۹۲) استدلال نموده‌اند که افزایش تمرکز صرفاً نتیجه کارایی مدیریتی نیست، بلکه منعکس کننده انحرافات فزاینده از ساختارهای بازار رقابتی است که منجر به سودهای انحصاری می‌شود. براین اساس، تمرکز باید به طور مثبت (و به طور قابل توجهی) با سودآوری بانک مرتبط باشد.

در ادبیات اقتصادی، شاخص‌های متنوعی برای اندازه‌گیری تمرکز معرفی گردیده است. اما ادبیات تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد شاخص هرفیندال - هیرشمن<sup>۴</sup> به عنوان یکی از شاخص‌های مطلق تمرکز<sup>۵</sup> بیشترین درصد فراوانی و کاربرد در این زمینه را داشته است. موداس و فرناندز (۲۰۰۴) شاخص هرفیندال - هیرشمن را قوی‌ترین شاخص در ارزیابی تمرکز بازار بانکی دانسته و شاهچرا و جوزدانی (۲۰۱۳) این شاخص را یکی از مهم‌ترین جنبه‌ها و ابعاد مهم ساختار بانکی معرفی

1. Berger
2. Efficiency

۳. این نظریه اولین بار توسط دمستز (۱۹۷۳) در اقتصاد مطرح شده است که به «نظریه کارایی دمستز» معروف است.

۴. این شاخص را شاخص اطلاعات کامل می‌نامند؛ چراکه در ساختن آن از اطلاعات همه بنگاه‌های بازار استفاده می‌شود. شاخص هرفیندال - هیرشمن برابر با مجموع مربعات سهم بازاری تمام بنگاه‌های بازار است. این شاخص با تخصیص وزن بیشتر به بنگاه‌های بزرگ‌تر، اهمیت بیشتری به آن‌ها قائل می‌شود. معادله این شاخص به صورت زیر است:

$$HHI = \sum_{i=1}^n S_i^2$$

این شاخص، در شرایطی که تمامی بنگاه‌ها در بازار دارای سهم برابر باشند، مقدار  $\frac{1}{n}$  خود خواهد گرفت و در صورتی که تنها یک بنگاه به صورت انحصاری در بازار فعالیت نماید، میزان آن برابر یک خواهد بود. مقدار این شاخص نیز در محدوده صفر تا یک می‌باشد.

۵. شاخص‌هایی که هم تعداد بنگاه‌ها و هم نابرابری توزیع بازار بین بنگاه‌ها را مد نظر قرار می‌دهند به شاخص‌های مطلق تمرکز معروف می‌باشند.

نموده و بیان داشته‌اند که این شاخص می‌تواند مهم‌ترین متغیر ساختاری اثرگذار بر سودآوری بانک‌ها نیز محسوب شود.

### – رقابت‌پذیری

ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که ۲۰ درصد از تحقیقات انجام شده به بررسی رقابت‌پذیری بر سودآوری بانک‌ها پرداخته‌اند ( $PUI = 0.15$ ). پس از دهه ۱۹۵۰ تحقیقات بسیاری در مورد رابطه و جهت علیت بین عناصر بازار انجام شده است که در این بین می‌سن<sup>۱</sup> (۱۹۳۹) و بین<sup>۲</sup> (۱۹۵۱) و (۱۹۵۶) از نویسندگان و اقتصاددانان پیشرو در این زمینه هستند که بحث اولیه فرضیه ساختار-رفتار-عملکرد<sup>۳</sup> (S-C-P) را مطرح کرده بودند (گودرزی و زبیدی ۲۰۰۸). اما اولین تحقیق در مورد ارتباط رقابت‌پذیری بانک‌ها با سودآوری آن‌ها را بروکه (۱۹۷۹) انجام داده است<sup>۴</sup>. با این حال، برگر (۱۹۹۵) اذعان می‌دارد که با فرضیه‌های کاربردی قدرت - بازار<sup>۵</sup> (M-P) و کارایی - ساختار<sup>۶</sup> (E-S) یک روند کاملاً جدید در زمینه تأثیر عوامل ساختاری بر سودآوری بانک‌ها آغاز شده است. فرضیه M-P، که گاهی اوقات به عنوان فرضیه ساختار-رفتار-عملکرد (S-C-P) شناخته می‌شود، ادعا می‌کند که قدرت بازار سود انحصاری را افزایش می‌دهد<sup>۷</sup>. تا<sup>۸</sup> (۲۰۱۵) معتقد است که براساس فرضیه S-C-P در بازار بانکداری بسیار متمرکز که رقابت پایین است بانک‌ها تمایل به تبانی با یکدیگر دارند تا سود بیشتری کسب کنند. به بیان دیگر این فرضیه بحث می‌کند که سودآوری بانکی از ساختار بازار استخراج می‌شود.

1. Mason

2. Bain

3. Structure-Conduct-Performance

۴. تحقیقات پیش از بروکه (۱۹۸۹) در خصوص رقابت‌پذیری و قدرت انحصاری بنگاه‌ها به‌طور عام انجام شده‌اند. درحالی‌که بروکه اولین محقق بوده است که براساس تحقیق شورت (۱۹۷۹) تمرکز و رقابت‌پذیری در بانکداری را به‌طور خاص مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

5. Market- Power

6. Efficient-Structure

۷. مخالفان نظریه «دکترین تمرکز بازار» معتقدند انحصار امری است گذرا. البته آن‌ها وجود قدرت انحصاری نزد یک یا چند بنگاه را رد نمی‌کنند، ولی به تداوم آن معتقد نیستند. منطق فکری آن‌ها به نظریه انحصار مداخله‌جویانه (Interventionism) معتقد است. این دیدگاه که به مکتب شیکاگو نیز موسوم است، نقش مهمی برای عناصر ساختاری بازار در ایجاد انحصار قائل نیست؛ زیرا طرفداران این مکتب استدلال می‌کنند که با ورود بنگاه‌های بالقوه به صنعت، میزان تمرکز و نرخ سود کاهش می‌یابد.

8. Tan

به عقیده برگر (۱۹۹۵) یک مورد خاص از فرضیه M-P، فرضیه قدرت-بازار-نسبی<sup>۱</sup> (R-M-P) است که براساس آن فقط بانک‌هایی که سهم بیشتری از بازار را در اختیار دارند و محصولات آن‌ها به‌خوبی متمایز شده، قادر به اعمال قدرت بازار و کسب درآمد و سود غیر رقابتی هستند.<sup>۲</sup>

به همین ترتیب، آتاناسوولو و همکاران (۲۰۰۸) در مورد فرضیه کارایی- X که در مطالعات به‌صورت (E-S-X) شناخته شده، بیان می‌دارد که این فرضیه رابطه بین ساختار و سودآوری بانک‌ها را با آزمون دو فرضیه قدرت-بازار (M-P) و کارایی- ساختار (E-S) بررسی می‌کند. تحقیقات دیگری در این زمینه انجام شده است که می‌توان به پلتزمن<sup>۳</sup> (۱۹۷۷)، اسمیرلاک<sup>۴</sup> (۱۹۸۵)، برگر و هانان<sup>۵</sup> (۱۹۸۹) و برگر (۱۹۹۵) اشاره کرد. براساس این تحقیقات می‌توان گفت تا حدی فرضیه R-M-P تأیید شده است، زیرا شواهدی مبنی بر تأثیر مدیریت برتر و افزایش سهم بازار بر افزایش سودآوری بانک‌ها (به‌خصوص در مورد بانک‌های کوچک تا متوسط) وجود دارد. در مقابل، شواهدی ضعیف برای فرضیه E-S-X یافت می‌شود.

در ادبیات اقتصادی، شاخص‌های مختلفی برای اندازه‌گیری رقابت معرفی گردیده است. اما ادبیات تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد برای سنجش درجه رقابت در بازارهای بانکی به‌طور گسترده‌ای از شاخص لرنر<sup>۶</sup> استفاده می‌شود. این شاخص که اولین بار توسط آبا لرنر ارائه شده است، تاکنون در وضع قوانین ضدتراست کاربرد فراوانی داشته است. به عقیده خداد کاشی و حاجیان (۲۰۱۴) استفاده از این شاخص در رقابت‌پذیری بانک‌ها به سه علت دارای اهمیت است: اول آنکه شاخص لرنر براساس رفتار بانک در بازار و براساس بهینه‌یابی به‌دست می‌آید و برای همین دارای پایهٔ تئوریک قوی است. مزیت دوم شاخص لرنر نسبت به سایر شاخص‌های تعیین‌کنندهٔ اندازهٔ رقابت این است که اجازه

### 1. Relative Market power

۲. این نظریه را برای اولین بار شپارد (۱۹۷۳) در توسعه نظریات دمستز (۱۹۸۶) در اقتصاد مطرح نموده است. شپارد در فرضیه قدرت-بازار-نسبی توضیح می‌دهد که وجود تفاوت در عملکرد علاوه بر کارایی به‌وسیله تأثیر باقی‌مانده سهم بازار نیز توضیح داده می‌شود؛ زیرا سهم بازار اثر عوامل غیر مرتبط به کارایی (نظیر قدرت بازاری یا تفاوت کالا) را دریافت می‌کند.

### 3. Peltzman

### 4. Smirlock

### 5. Burger & Hanan

۶- شاخص لرنر ( $L$ ) شکاف بین قیمت ( $P$ ) و هزینه نهایی ( $MC$ ) را نسبت به قیمت ( $P$ ) در سطح تولید انحصاری بیان می‌کند:

$$L = \frac{P-MC}{P}$$

به‌طوری که در شرایط انحصار کامل  $L = 1$  و در شرایط رقابت کامل  $L = 0$  است.

می‌دهد قدرت انحصاری در سطح بانک اندازه‌گیری شود و می‌توان آن را در طی زمان تحلیل کرد؛ سومین دلیل آن است که اعمال قدرت بازاری را در بانک‌ها می‌توان در دو سوی ترازنامه ملاحظه کرد. با این حال می‌توان برخی از اولین مطالعاتی که در زمینه رقابت‌پذیری بانک‌ها با استفاده از شاخص لرنر انجام شده است را چنین برشمرد: پرسکات و مک کال<sup>۱</sup> (۱۹۷۵) برای بانک‌های ایالات متحده، شفر<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) برای بانک‌های کانادایی، ریبون و یوشا<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) برای مورد اسرائیل، آنجلینی و ستورلی<sup>۴</sup> (۱۹۹۹) برای بانک‌های ایتالیایی، موداس و پرز<sup>۵</sup> (۲۰۰۳) برای مورد اسپانیا و فرناندز دی گوارا و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) برای نمونه‌ای از کشورهای بزرگ اروپایی. همچنین براساس ادبیات تحقیق از مطالعاتی که به‌طور خاص به ارزیابی اثر رقابت‌پذیری بر سودآوری بانک‌ها پرداخته‌اند می‌توان به مطالعات دمیرگوک کانت و هیوزینگا<sup>۷</sup> (۱۹۹۹) برای ۸۰ کشور، موداس و فرناندز (۲۰۰۴) برای پنج کشور اروپایی، گدارد و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۰۴) برای کشورهای اروپایی، آلبرتازی و گامباکورتا (۲۰۰۶) برای منطقه یورو، جمل و منصور<sup>۹</sup> (۲۰۱۸) برای مورد تونس، نوراینی (۲۰۱۹) برای مورد اندونزی، مارتینز و همکاران<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۹) برای ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و آلمان، دی‌دی-رامون و همکاران (۲۰۱۹) برای مورد انگلستان اشاره نمود.

### – مالکیت

در ادبیات تحقیق یکی از عوامل ساختاری مؤثر بر سودآوری بانک‌ها مالکیت است که تحقیقات قابل توجهی در این زمینه نیز انجام شده است ( $PUI = 0.24$ ) تحقیق شورت (۱۹۷۹) نشان می‌دهد که رابطه منفی قوی بین مالکیت دولت و سودآوری بانک‌ها وجود دارد. در مقابل بروکه (۱۹۸۹) و مولینوکس و تورنتون (۱۹۹۲) استدلال نموده‌اند که ساختار مالکیت بر سودآوری بانک‌ها دارای رابطه معنادار آماری نیست.

1. Prescott & McCall
2. Shaffer
3. Ribon & Yosha
4. Angelini & Cetorelli
5. Maudos & P'erez
6. Fern'andez de Guevara et al
7. Demirguc-Kunt & Huizinga
8. Goddard et al
9. Jamel & Mansour
10. Martins et al

همچنین، آپرگیس<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) با استفاده از داده‌های اقتصاد کلان و صورت‌های مالی ۱۵ بانک یونانی و بهره‌گیری از روش پانل دیتای آستانه‌ای نشان داده است که طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۰ ضریب آماری ساختار مالکیت بانک (دولتی یا خصوصی بودن) تأثیر معنی‌داری بر سودآوری آن‌ها نداشته است. آتاناسوقلو و همکاران (۲۰۰۸) بیان داشته است که ساختار مالکیت بر سودآوری بانک‌های یونان تأثیری نداشته است. آن‌ها معتقدند که سهم از بازار بانک‌های خصوصی یونان از حدود ۲۰ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۴۵ درصد در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است و این در حالی است که افزایش سودآوری بانک‌های خصوصی از محل همین افزایش سهم از بازار می‌باشد که خود ناشی از خصوصی‌سازی بانک‌های یونان بوده است. علاوه بر این، قربانی و همکاران (۲۰۱۸) که با استفاده از روش پانل دیتای پویا تحقیق خود را روی داده‌های اقتصاد کلان و صورت‌های مالی ۲۲ بانک دولتی و خصوصی ایران برای دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۵ انجام داده‌اند، چنین نتیجه‌گیری نموده‌اند که طی دوره مورد بررسی نوع مالکیت بانک‌ها دارای رابطه معنادار با سودآوری آن‌ها نمی‌باشد. در مقابل باقری و همکاران (۲۰۱۸) که تحقیق خود را با استفاده از روش پانل دیتا و داده‌های ۱۸ بانک ایرانی برای دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۶ انجام داده‌اند، در تعریف ساختار مالکیت بانک از متغیر مجازی استفاده نموده و با در نظر گرفتن مقدار یک برای بانک‌های دولتی و مقدار صفر برای بانک‌های دولتی نشان داده‌اند که سودآوری بانک‌ها طی دوره مورد بررسی ساختار مالکیت بانک‌ها در ادوار تجاری بر سودآوری آن‌ها مؤثر است. آن‌ها معتقدند که بررسی تأثیر ساختار مالکیت بانک‌ها بر سودآوری آن‌ها به این علت دارای اهمیت است که بانک‌های دولتی همواره به‌عنوان ابزار سیاستی کوتاه‌مدت و در اختیار دولت، در دوران رکود با افزایش میزان تسهیلات‌دهی، نقش بسزایی در خروج اقتصاد از رکود به‌ویژه در اقتصادهای بانک‌محور خواهند داشت. از این جهت رفتار احتیاطی بانک‌های دولتی و خصوصی می‌تواند بر میزان سودآوری آن‌ها اثری متفاوت داشته باشد. در تأیید این بینش قربانی و همکاران (۲۰۱۸) بیان داشته‌اند که در سیستم بانکداری کشور ایران، از یک طرف بانک‌های دولتی منابع ارزان قیمت (یا رایگان) نهادها و مؤسسات دولتی را در اختیار دارند که بانک‌های خصوصی از داشتن چنین منابعی محروم هستند و بانک‌های دولتی علاوه بر در اختیار داشتن این منابع، خدمات خود را به این مؤسسات و کارکنان آن‌ها ارائه می‌کنند و عملاً این نهادها و کارکنان آن‌ها انتخاب دیگری برای خرید خدمات و سپردن منابع خود ندارند. ابریشمی و همکاران (۲۰۱۵) نیز در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که در ایران رابطه بین مخارج دولت و سودآوری بانک‌های دولتی مثبت و با سودآوری بانک‌های خصوصی منفی می‌باشد. از طرف دیگر

---

1. Apergis

بانک‌های خصوصی در بکارگیری منابع، بازدهی بیشتری نسبت به بانک‌های دولتی دارند. همچنین بانک‌های دولتی بابت پرداخت تسهیلات تکلیفی، که با نرخ‌های بهره پایین‌تر از تسهیلات عادی می‌باشد نیز سوددهی پایین‌تری نسبت به بانک‌های خصوصی خواهند داشت. بنابراین، این که نوع مالکیت چگونه می‌تواند بر سوددهی بانک‌ها تأثیرگذار باشد بستگی دارد که اثر کدامیک از فرآیندهای اشاره شده بیشتر باشد؛ ممکن است کارایی بانک‌های خصوصی به حدی بالا باشد که اثر کمک‌های دولت به بانک‌های دولتی را خنثی کرده و سوددهی بانک‌های خصوصی بیشتر شود و یا بالعکس. علاوه بر این، تحقیقات دیگری از جمله؛ ایانوتا و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۷)، می‌کو و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۷)، لطفی کلهری و همکاران (۲۰۲۱) با استفاده از شواهد تجربی قوی نشان داده‌اند که ساختار مالکیت بر سودآوری بانک‌ها تأثیر مستقیم دارد.

ادبیات تحقیق در این زمینه نشان می‌دهد که برخی از تحقیقات به بررسی نوع دیگری از ساختار مالکیت بانک‌ها پرداخته‌اند. به طوری که الحربی<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) با استفاده از روش پانل دیتای نامتعادل مطالعه خود را بر روی داده‌های اقتصاد کلان و بخش بانکی ۶۸۶ بانک تحت مالکیت خارجی از ۵۲ کشور در حال توسعه برای دوره ۲۰۰۸-۱۹۸۹ انجام داده و بیان نموده است که مالکیت خارجی بانک می‌تواند بر سودآوری مؤثر باشد، چرا که بانک‌های خارجی از استانداردهای حاکمیتی بالاتری برخوردار بوده و در کاهش ریسک بهتر عمل می‌کنند. همچنین، مطالعه برون کشوری یانیکایا و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۸) شواهدی برای تأیید این استدلال ارائه نموده‌اند. دی‌دی-رامون و همکاران (۲۰۱۹) که مطالعه آن‌ها شامل نمونه‌ای از ۲۵۰ بانک تجاری تحت نظارت، انجمن‌های ساختمانی و شرکت‌های تابعه بانک‌های خارجی در انگستان بوده است، نیز معتقدند که بررسی ساختار مالکیت از این حیث دارای اهمیت است که نوع ریسک‌پذیری بانک‌ها را مشخص خواهد نمود. آن‌ها در مطالعه خود به بررسی تمایز مالکیت پرداخته‌اند تا اثرات رقابت بر ریسک‌پذیری در مالکیت خصوصی/سهامدار (یعنی بانک‌های تجاری) و مالکیت خارجی (یعنی بانک‌های بین‌المللی) را شناسایی کنند و در نهایت به این نتیجه نائل آمده‌اند که در بانک‌های بزرگ و خصوصی که از ثبات مالی بیشتری برخوردار هستند، با افزایش رقابت ریسک نیز افزایش می‌یابد. در مقابل، مانگلی و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) رابطه بین مالکیت خارجی و سودآوری بانک‌ها را منفی گزارش نموده‌اند.

1. Iannotta et al
2. Micco et al
3. Al-Harbi
4. Yanikkaya et al
5. Mungly et al

با توجه به آنچه از ادبیات تحقیق در این زمینه بیان گردید می‌توان بیان داشت که تأثیر ساختار مالکیت بانک‌ها بر سودآوری آن‌ها، با توجه به دوره مورد نظر، روش انجام تحقیق، نمونه مورد مطالعه و سایر متغیرهای تحت بررسی می‌تواند متفاوت باشد.

### – ساختار نهادی و نظارتی

یکی از عوامل بسیار حائز اهمیت در سودآوری بانک ساختار نهادی و نظارتی حاکم بر نظام اقتصادی کشوری است که بانک در آن فعالیت می‌کند. بررسی ساختار نهادی و نظارتی از این جهت اهمیت دارد که محیط عملیاتی که بخش بانکی در آن فعالیت می‌کند را تعریف می‌کند. در این راستا بررسی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد علی‌رغم تحقیقات متعددی ( $PUI = 0.27$ ) که در سایر کشورها انجام شده است، هنوز تحقیق تجربی جامع و کاملی که به این موضوع برای کشور ایران پرداخته باشد، گزارش نشده است؛ اگرچه در تحقیقات اندکی به زیر شاخه‌های ساختار نهادی و نظارتی از جمله تأثیر فساد یا آزادی اقتصادی بر سودآوری بانک‌های کشور ایران پرداخته شده است. باین‌حال، لاپورتا و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) پیشگامان ادبیات حقوق و امور مالی هستند که در مطالعه خود بیان نموده‌اند اجرای قراردادهای مالی و بانکی نیاز به گذر از مبادی قانونی دارد، اما دمیرگوک کانت و هیوزینگا (۱۹۹۹) اولین محققانی هستند که در این زمینه با تحقیق خود نشان داده‌اند نظارت بر قراردادهای، عدم فساد و نظام حقوقی بر حاشیه سود بانک‌ها مؤثر است. پس از دمیرگوک کانت و هیوزینگا (۱۹۹۹)، بن خدیری و بن خدیری (۲۰۰۹) اولین محققانی هستند که به بررسی تأثیر ساختار نهادی و حاکمیت قانون بر سودآوری بانک‌های اسلامی پرداخته‌اند. تحقیق آن‌ها که با استفاده از روش پانل دیتای نامتعادل و تخمین رگرسیون GMM برای نمونه‌ای از ۴۰ بانک اسلامی در منطقه مناطی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۹ انجام شده، سه نهاد؛ شاخص فساد<sup>۲</sup> (COR)، قانون و نظم<sup>۳</sup> (LOW) و شرایط اجتماعی-اقتصادی<sup>۴</sup> (SOC) را بر سودآوری بانک‌ها مؤثر می‌داند. به طوری که فساد از درون نظام اقتصادی و مالی را مخدوش نموده و به دنبال آن کارایی کسب‌وکارها را نیز کاهش خواهد داد. رایج‌ترین شکل فساد به صورت رشوه است. همچنین، بهبود شرایط اجتماعی-اقتصادی به عنوان شاخصی از کیفیت زندگی (دسترسی به سلامت و آموزش، سبک زندگی، توزیع عادلانه درآمد و غیره) منجر به افزایش در الگوی درآمد، مصرف و پس‌انداز کارگزاران می‌شود. این که محیط نهادی

1. La Porta et al

2. Corruption

3. Law & Order

4. Socio-Economic Conditions

برای طراحی و اجرای قراردادها مناسب‌تر باشد، موجب می‌شود نتایج بهتری حاصل شود. عنصر قانون معیار قدرت بی‌طرف از نظام حقوقی است درحالی‌که عنصر نظم ارزیابی از رعایت قانون توسط مردم قلمداد می‌شود. برگر و اودل<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در این زمینه بیان نموده‌اند که عناصر ساختار نهادی و قانونی تأثیرات مهمی بر توانایی بانک‌ها برای استفاده از فناوری‌های اطلاعات در اعطای تسهیلات دارد. زیرا بانک‌ها با کاهش ریسک اعتباری می‌توانند از نکول وام‌ها جلوگیری کرده و سود خود را افزایش دهند. همچنین، بن ناسیور و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) در بررسی کارایی بانک‌های منطقه منا، رابطه بین کیفیت سیستم قضایی/حقوقی و کارایی بانک‌ها را مثبت گزارش نموده‌اند. جمل و منصور<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) نیز در تحقیقی که با استفاده از داده‌های ۱۱ بانک تونس پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تونس (SET) و بهره‌گیری از روش پانل دیتا با برآورد رگرسیون GLS برای دوره ۲۰۱۶-۱۹۹۹ انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که بهبود شاخص‌های سودآوری بانک‌های تونس تا حد زیادی منعکس‌کننده نظارت احتیاطی اعمال شده توسط بانک مرکزی تونس است.

بنابر تحقیقات برگر و اودل (۲۰۰۶) در خصوص افزایش وام‌دهی، کیان و استرهان<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) در مورد دسترسی به وام‌ها و دمیرگوک کانت و همکاران (۲۰۰۳) در ارتباط با کاهش مقررات سخت، اثربخشی اجرای قانون ممکن است بر عملکرد بخش بانکی یک کشور از طریق کانال‌های دیگر تأثیر بگذارد. البته در اینجا باید به این نکته توجه داشت که تحقیقات ذکر شده به این جهت که به صورت بین‌کشوری انجام شده‌اند، ممکن است دارای محدودیت‌هایی براساس تفاوت در ساختارهای نهادی هر کشور باشند. از جمله، ممکن است در تجزیه و تحلیل بین‌کشوری به اندازه کافی ناهمگونی‌های بزرگ (مانند تفاوت در تاریخ، فرهنگ، مواهب طبیعی و غیره) در بین کشورها موجود باشد. حتی با فرض یکنواخت شدن محیط قانونی و نهادی در بین کشورها، این مطالعات با در نظر نگرفتن درجه قابل توجهی از تنوع در نهادها و اجرای قانون در یک کشور خاص، شاید به نتایجی مغرضانه رسیده باشند. در پاسخ به این محدودیت‌ها، تحقیق ژانگ و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۲) که اثر محیط نهادی و محیط حقوقی را به صورت درون‌کشوری و منطقه‌ای انجام داده‌اند قابل تأمل است. آن‌ها تحقیق خود را بر روی نمونه‌ای از ۱۳۳ بانک تجاری چینی در ۳۱ منطقه با استفاده از روش پانل دیتا و تخمین اثرات ثابت (FE) برای دوره ۲۰۰۸-۱۹۹۹ انجام داده و چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که اجرای دقیق قانون

1. Berger & Udell
2. Ben Naceur et al
3. Jamel & Mansour
4. Qian & Strahan
5. Zhang et al

موجب افزایش سطح ریسک‌پذیری بانک‌ها در هر منطقه می‌شود. همچنین، عملکرد بانک‌های چینی که با بهره‌وری سنجیده می‌شود، به شدت تحت تأثیر اجرای قانون در منطقه حقوقی بهتر بوده و کارایی بیشتر در نظام حقوقی و حمایت قوی‌تر از حقوق مالکیت معنوی با سطح کارایی بالاتر برای بانک‌ها همراه بوده است.

فساد را بهارگاوا<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) به عنوان "سوء استفاده از تصدی دولتی یا شرکتی برای کسب منافع خصوصی" تعریف کرده است. با توجه به این تعریف می‌توان گفت تعارض منافع برای یک متصدی دولتی یا شرکتی موجب ایجاد فساد خواهد شد. همچنین، دادگر<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) فساد را هر نوع تصرف غیرقانونی در اموال عمومی و استفاده نامشروع از اختیارات و قدرت به منظور بهره‌وری از امکانات مالی برای کسب منافع شخصی، تعریف نموده است. در بخش بانکی، فساد مالی به اقدامات غیرصادقانه مدیران بانک و از جمله ناظران بانک مربوط می‌شود. تعداد قابل توجهی از اقتصاددانان از جمله مائورو<sup>۳</sup> (۱۹۹۵)، گستاناگا و همکاران<sup>۴</sup> (۱۹۹۸)، آسیدو<sup>۵</sup> (۲۰۰۳)، کونیدا و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۴) استدلال می‌کنند که فساد تأثیر منفی بر بخش بانکی و اقتصاد دارد. در سطح اقتصاد کلان، فساد می‌تواند ساختار مخارج عمومی را تغییر دهد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بالقوه را کاهش دهد، بدهی خارجی غیرمولد را افزایش دهد، کارایی فعالیت‌های اقتصادی را کاهش دهد و منجر به سطح پایین‌تر درآمد ملی و نرخ‌های بالاتر فقر شود. علاوه بر این، برخی از اقتصاددانان از جمله آسیدو<sup>۷</sup> (۲۰۰۳)، مندز و سپلودا<sup>۸</sup> (۲۰۰۶) و دیابی و سیلوستر<sup>۹</sup> (۲۰۱۵) معتقدند در سطح اقتصاد خرد، فساد عموماً با کیفیت پایین نهادی و حاکمیتی، مؤسسات ناکارآمد از نظر عملکرد و هزینه‌های بالاتر برای کسب و کارها همراه است. در نتیجه، فساد در اقتصاد این پتانسیل را دارد که سودآوری و حتی ثبات بانک‌ها را تضعیف کند. مونگید<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۷) نشان داده که بحران‌های بانکی به طور مثبت با سطح بالاتر فساد و اجرای ضعیف قانون مرتبط است. وی<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۹) بیان داشته که فساد می‌تواند با افزایش اطلاعات نامتقارن بین وام

1. Bhargava
2. Dadgar & Masoumi Nia
3. Mauro
4. Gastanaga et al
5. Asiedu
6. Kunieda et al
7. Asiedu
8. Méndez & Sepúlveda
9. Diaby & Sylwester
10. Mongid
11. Wei

گیرندگان و وام‌دهندگان، بر تخصیص اعتبار تأثیر منفی بگذارد و موجب شود نرخ وام‌دهی در وضعیت فساد بالاتر از نرخ بدون فساد باشد. به‌طور مشابه، تحقیق براون و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که فساد همراه با مشارکت بالای دولت در بخش بانکی به‌طور قابل توجهی نرخ وام بانکی را افزایش می‌دهد. ادبیات مربوط به فساد در مورد سودآوری بانک‌ها بیشتر با ثبات نظام بانکی همراه شده است. به‌طور کلی، سطح بالاتر فساد می‌تواند بر عملکرد کل بخش مالی و اقتصاد تأثیر منفی بگذارد. لاپورتا و همکاران (۲۰۰۲) استدلال کرده‌اند کشورهایی که مالکیت دولتی بیشتری بر بانک‌ها دارند، تمایل دارند با سطوح بالاتری از فساد مرتبط باشند که با محدود کردن توانایی بانک‌ها در جذب منابع و تخصیص اعتبار، سودآوری بانک‌ها را پایین‌تر نشان می‌دهند. همچنین، کنترل بیشتر دولت معمولاً شامل تصمیمات ضعیف‌تری برای وام‌دهی است که هم سودآوری و هم ثبات را تضعیف می‌کند. پارک<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) با استفاده از یک مجموعه داده بین‌المللی، تأثیر فساد بر سلامت بخش بانکی را ارزیابی نموده و چنین نتیجه‌گیری کرده که فساد می‌تواند با نسبت بالاتری از وام‌های غیرجاری در بخش بانکی مرتبط باشد که حاکی از سودآوری کمتر و ریسک بیشتر برای بخش بانکی است. علاوه بر این، فساد تخصیص وجوه بانکی را از پروژه‌های عادی به پروژه‌هایی که توجیه اقتصادی ندارند افزایش می‌دهد که علاوه بر تضعیف سلامت بانک‌ها بر رشد اقتصادی نیز تأثیر منفی می‌گذارد. نتایج مشابه‌ای توسط ویل<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) و ژانگ و همکاران (۲۰۱۳) به دست آمده است. تحقیق ابریوم<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) که با استفاده از داده‌های ترکیبی و رگرسیون (OLS) به بررسی تأثیر فساد بر سودآوری ۴۸ بانک نیجریه‌ای برای دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۶ پرداخته است، نشان می‌دهد فساد تأثیر قابل توجه‌ای بر سودآوری بانک‌ها در نیجریه دارد. ابریوم (۲۰۰۹) از اطلاعات سازمان شفافیت بین‌الملل برای اندازه‌گیری سطح فساد استفاده کرده و علت فساد در بانک‌های نیجریه را عدم اجرای درست قوانین از سوی بانک‌ها و نبود نظارت کافی از سوی سازمان‌های ذی‌صلاح می‌داند. در تأیید این بینش، آرشاد و ریزوی<sup>۵</sup> (۲۰۱۳) در تحقیقی که با استفاده از روش پانل دیتا به تجزیه و تحلیل تأثیر فساد بر سودآوری ۱۰ بانک اسلامی برای دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۰ پرداخته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که فساد از طریق فقدان نظارت رسمی و قوانین استاندارد شده با فساد، تأثیر مثبت قابل توجه‌ای بر سودآوری بانک‌ها دارد. از این‌رو، ایجاد محیط امن و به دور از فساد، هرچند به کاهش سودآوری بانک‌ها منجر می‌شود، اما از طریق تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

1. Brown et al
2. Park
3. Weill
4. Aburime
5. Arshad & Rizvi

رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. با این حال، لالونتاس و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) اشاره نموده‌اند در کشورهای که درجه ریسک گریزی بالایی در نظام بانکی آن‌ها دیده می‌شود، افزایش وام بانکی به دلیل فساد می‌تواند مزایایی داشته باشد و در کوتاه‌مدت فساد به‌طور بالقوه می‌تواند سودآوری بانک را افزایش دهد. با این وجود تأثیر مثبت فساد بر وام بانکی، لزوماً به این معنا نیست که فساد در بلندمدت خوب است. به‌عنوان مثال، اگر گسترش فعالیت وام‌دهی بانک‌ها با افزایش در وام‌های غیرجاری همراه شود، ریسک را افزایش می‌دهد و در نهایت هزینه استقراض را هم برای بانک‌ها و هم برای مشتریان اعتباری آن‌ها افزایش می‌دهد. همچنین، مائورو<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) اذعان نموده است که فساد لزوماً از طریق افزایش وام‌های غیرجاری خود را نشان نمی‌دهد، زیرا ممکن است آن دسته از متقاضیان وام که رتبه اعتباری خوبی دارند نیز برای سرعت بخشیدن به فرایند اخذ وام و دور زدن روند عادی بررسی پرونده اعتباری خود در کمیسیون اعتباری به یک کارشناس اعتباری رشوه بدهند.

به‌طور کلی، نظام حقوقی منبع اصلی تنوع در سطوح فساد می‌باشد و هر چه اثر بخشی سیستم قضایی بالاتر باشد، سطح فساد کمتر خواهد بود. بک و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) استدلال نموده‌اند که یک استراتژی نظارتی که موجب بهبود شفافیت در افشای اطلاعات بانک‌ها شود، می‌تواند نقش مفیدی در کاهش فساد اعتباری داشته باشد. در تأیید این بینش بارت و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) در تحقیق خود نشان داده‌اند که میزان رقابت بانکی و افشای اطلاعات هر دو به کاهش فساد در اعتبارات کمک می‌کند. آن‌ها استدلال نموده‌اند که فساد می‌تواند مشکلی جدی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه باشد؛ جایی که فقدان قوانین، استقلال قضایی، مقررات احتیاطی و کنترل‌های داخلی بانکی می‌تواند گاهی اوقات مشکل مهمی در مهار فساد باشد. تودر و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر منفی فساد بر ثبات بانک‌ها در اقتصادهای نوظهور پرداخته و نشان داده‌اند که سطوح پایین‌تر فساد با ضررهای اعتباری کمتر و رشد اعتباری همراه است. در تأیید نتایج تودر و همکاران (۲۰۱۸) تحقیق دیگری که توسط هو و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۹) روی نمونه‌ای از ۲۶۸۶۵ بانک در ۴۰ اقتصاد در حال توسعه و توسعه یافته برای یک دوره ۲۶ ساله انجام شده است از این واقعیت حکایت می‌کند که شفافیت بیشتر، تأثیر فساد بر ثبات بانک را

- 
1. Lalountas et al
  2. Mauro
  3. Beck et al
  4. Barth et al
  5. Toader et al
  6. Ho et al

کاهش می‌دهد. همچنین، قائمی اصل و ولایی<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر فساد اداری بر عملکرد نظام بانکی ایران پرداخته و تحقیق خود را با استفاده از روش پانل دیتای نامتعادل بر روی نمونه ۲۱ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۸ انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که فساد نه تنها منجر به افزایش درآمد خالص به ازای هر واحد سرمایه‌گذاری نمی‌شود بلکه کاهش سودآوری بانک‌ها را نیز به دنبال دارد. علاوه بر آنچه که در مورد فساد بیان گردید، یکی از تحقیقات اخیر که به خوبی ادبیات موضوع را در این زمینه گسترش داده تحقیق آستریو و همکاران (۲۰۲۱) است. آن‌ها با استفاده از روش پانل دیتای متعادل، پانل دیتای پویا و تخمین رگرسیون GMM به بررسی تأثیر فساد، آزادی اقتصادی، مقررات بانکی و شفافیت بر سودآوری و ثبات بانک برای نمونه‌ای از ۳۲۶ بانک از ۱۹ کشور منطقه یورو طی دوره ۲۰۱۸-۲۰۰۵ پرداخته و چنین نتیجه‌گیری نموده‌اند که فساد و شفافیت تأثیر منفی بر سودآوری و ثبات بانک دارد. در مقابل، آزادی اقتصادی بیشتر، باعث افزایش سودآوری و ثبات بانکی می‌شود. همچنین، مقررات بانکی رابطه مثبتی با سودآوری بانک دارد و اثرات دقیق آن بر ثبات به ماهیت مقررات بستگی دارد. علاوه بر این، آوگری و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) با استفاده از رگرسیون کوانتایل و پانل دیتا به بررسی تأثیر تأمین مکانیزم تک نظارتی (SSM) سال ۲۰۱۴ بر توزیع سودآوری ۷۸ بانک که به طور مستقیم تحت نظارت بانک‌های منطقه یورو بوده برای دوره ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ پرداخته‌اند. نتایج مقاله آن‌ها نشان می‌دهد که یک اثر مثبت قوی SSM در کمترین کوانتایل‌ها برای میزان توزیع سودآوری بانک وجود دارد، در حالی که اثر در کوانتایل‌های بالا بستگی به شاخص سودآوری دارد.

به طور کلی، از مجموعه استدلال‌های ادبیات فساد، می‌توان بیان داشت که تأثیر فساد بر سودآوری بانک‌ها اساساً موضوعی تجربی بوده که احتمال دارد فساد تأثیر منفی یا مثبت بر سودآوری و ثبات‌ها داشته باشد<sup>۳</sup>. اما محقق معتقد است در یک اجماع کلی تأثیر فساد بر سودآوری بانک‌ها منفی قلمداد می‌گردد.

1. Ghaemi Asl & Valai

2. Avgeri et al

۳. آنچه از بررسی ادبیات در مورد تأثیر فساد بر نظام اقتصادی به طور اعم و سودآوری بانک‌ها به طور اخص دیده می‌شود این است که دو دیدگاه در این زمینه وجود دارد. برخی از محققان و اقتصاددانان که از دیدگاه «گریس چرخ‌ها» (Grease the Wheels) حمایت می‌کنند معتقدند جنبه‌های فساد نظیر رشوه از طریق افزایش بهره‌وری کارکنان بانک‌ها موجب افزایش سودآوری بانک و رشد اقتصادی می‌شوند. در مقابل، محققان و اقتصاددانان از دیدگاه «شن و ماسه چرخ‌ها» (Sand the Wheels) حمایت نموده و بیان داشته‌اند که فساد در صورت دارای اثر منفی بر سودآوری بانک‌ها و رشد اقتصادی در بلندمدت می‌باشد.

همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان گردید یکی از ساختارهای نهادی مؤثر بر سودآوری بانک‌ها آزادی اقتصادی است. هولمز و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) آزادی اقتصادی را حقوق اولیه هر انسان برای کنترل نیروی کار و اموال خودش تعریف نموده‌اند. به عبارت دیگر، در جامعه‌ای که به لحاظ اقتصادی آزاد است، افراد در فرآیندهای اقتصادی، اعم از کار، تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری به هر شکلی که تمایل داشته باشند، آزاد هستند. کلاسنس و لاون<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) استدلال نموده‌اند که آزادی اقتصادی بیشتر با اجازه دادن به ورودی‌های جدید داخلی و خارجی می‌تواند کارایی را افزایش دهد و امکان ارائه طیف وسیع‌تری از محصولات را که می‌تواند سود بانکی را بهبود بخشد، فراهم آورد. آزادی اقتصادی همچنین به این معناست که بانک‌ها تمایل بیشتری به وام دادن دارند، زیرا احتمالاً شرکت‌های بیشتری در اقتصاد رقابت می‌کنند که موجب می‌شود بانک‌ها برای اعطای تسهیلات به شرکت‌ها و مؤسسات مالی خارجی از تقاضای بهتری برخوردار باشند و به دنبال آن تنوع بیشتر در پرتفوی اعتبارات بانکی تضمین می‌گردد. علاوه بر این هولمز و همکاران (۲۰۰۸) بیان نموده‌اند که کشورهایی با سطوح بالاتر آزادی اقتصادی عموماً دارای سطوح بالاتری از درآمد واقعی هستند که به نوبه خود منجر به تقاضای بالاتر برای خدمات بانکی می‌شود. همچنین، گروپر و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) دلایل متعددی برای اثبات تأثیر مثبت آزادی اقتصادی بر سودآوری بانک‌ها برشمرده‌اند. صوفیان و حبیب‌الله<sup>۴</sup> (۲۰۱۰، b) در تحقیق خود بررسی کردند که چگونه آزادی اقتصادی بیشتر بر نظام بانکی چین و مالزی تأثیر می‌گذارد و نتایج آن‌ها نشان‌دهنده رابطه مثبت قوی بین آزادی اقتصادی و سودآوری است. علاوه بر موارد بیان شده تحقیقات دیگری از جمله صوفیان و عبدالمجید<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) مورد بانک‌های اسلامی منطقه منا برای دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۰، صوفیان و حبیب‌الله (۲۰۱۰) مورد کشور مالزی برای دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۷، هافر<sup>۶</sup> (۲۰۱۳) مطالعه ۸۱ کشور منتخب برای دوره ۲۰۰۹-۱۹۸۰، چورتاریس و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۱۳) مطالعه ۲۷ کشور منطقه اروپا برای دوره ۲۰۰۹-۲۰۰۱، شاه‌آبادی و ثمری<sup>۸</sup> (۲۰۱۳) مطالعه کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته برای دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۱، شاه‌آبادی و داوری کیش<sup>۹</sup> (۲۰۱۶)، مورد کشور ایران برای دوره

1. Holmes et al
2. Claessens & Laeven
3. Gropper et al
4. Sufian & Habibullah
5. Sufian & AbdulMajid
6. Hafer
7. Chortareas et al
8. Shahabadi & Samari
9. Shahabadi & Davari Kish

۲۰۱۲-۱۹۸۱، دائی کریمزاده و سلیمانی (۲۰۱۸) مورد کشور ایران برای دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۶، آستریو و همکاران (۲۰۲۱) نشان داده‌اند که آزادی اقتصادی بیشتر، موجب افزایش سودآوری بانک‌ها می‌شود. یکی دیگر از ابعاد یا زیرشاخه‌های ساختار نهادی و نظارتی، شفافیت<sup>۱</sup> است. در ادبیات تحقیق مفاهیم مختلفی در رابطه با شفافیت وجود دارد، به خصوص در مورد تأثیر شفافیت و زمان افشای آن مباحث بسیاری مطرح شده است. همان‌طور که توسط نیبر<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) توضیح داده شده، شفافیت می‌تواند قبل از وقوع بحران برای بانکی که در حال حاضر با یک مشکل مالی کوچک همراه است - از طریق افزایش انضباط مالی مفید باشد. در مقابل، افشای پس از وقوع بحران می‌تواند تأثیر منفی بر سودآوری و ثبات نظام بانکی داشته باشد. علاوه بر این، لانگ و لوند هولم<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) نشان می‌دهند که افزایش افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌تواند به کاهش نوسان قیمت سهام و کاهش هزینه سرمایه شرکت کمک کند. دایموند و ورکیا<sup>۴</sup> (۱۹۹۱) مدلی نظری ارائه نموده‌اند که نشان می‌دهد کاهش اطلاعات نامتقارن با افشای اطلاعات به عموم، هزینه سرمایه شرکت را کاهش می‌دهد. آن‌ها همچنین نشان داده‌اند که سطح بالاتر شفافیت از طریق اطلاعات متقارن می‌تواند نقدینگی در سهام بانک را بهبود بخشد و در نتیجه هزینه سرمایه آن را کاهش دهد. همچنین، کولستاد و ویگ<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) استدلال می‌کنند که فقدان شفافیت، فساد را کم خطرتر و به‌طور ضمنی جذاب‌تر می‌کند و باعث می‌شود برخی از کارمندان در بخش مالی از موقعیت خود به بهای هنجارهای اجتماعی و اعتماد تثبیت شده سوء استفاده کنند. در مجموع، تأثیر دقیق شفافیت بیشتر بر سودآوری بانک‌ها نیز یک موضوع تجربی است که نتایج بیشتر تحقیقات انجام شده از وجود رابطه‌ای مثبت بین شفافیت و سودآوری بانک‌ها حکایت می‌کند.

### عوامل خاص بانک

در این زیربخش به بررسی مطالعاتی که اثر عوامل خاص بانک‌ها بر سودآوری آن‌ها را ارزیابی کرده‌اند، پرداخته شده است. مطالعات بسیاری در نمونه مورد بررسی به اثر عوامل خاص بانک‌ها پرداخته‌اند که این مطالعات را می‌توان به هشت زیرگروه: اندازه، مدل کسب‌وکار، تنوع‌بخشی، کارایی، نسبت وام به دارایی، نسبت بدهی به دارایی، نسبت مالکانه و کیفیت دارایی‌ها تقسیم کرد.

1. transparency
2. Nier
3. Lang & Lundholm
4. Diamond & Verrecchia
5. Kolstad & Wiig

### – اندازه

ادبیات تحقیق نشان می‌دهد اندازه بانک<sup>۱</sup> که با استفاده از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های بانک محاسبه می‌شود، به‌عنوان یک متغیر کلیدی در اکثر تحقیقات مرتبط با سودآوری بانک‌ها به کار گرفته شده است ( $PUI = 0.75$ ). همان‌طور که شهزاد و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) بیان داشته‌اند کنترل اندازه بانک مهم است، اما رابطه آن با سودآوری قطعی نیست. برخی از تحقیقات نظیر؛ اسمیرلاک (۱۹۸۵)، برگر (۱۹۹۵)، دمیرگوک کانت و هیوزینگا (۱۹۹۵)، راملال<sup>۳</sup> (۲۰۰۹)، آلپر و آنبر (۲۰۱۱)، میرزایی و میرزایی (۲۰۱۱)، نظریان و همکاران (۲۰۱۷)، الحربی (۲۰۱۹)، الکداگ و همکاران (۲۰۲۰) وجود رابطه مثبت بین اندازه بانک و سودآوری را گزارش نموده‌اند. در این راستا، آتاناسوقلو و همکاران (۲۰۰۸) بیان داشته‌اند که طبق مطالعات انجام شده منحنی میانگین هزینه در بانک‌ها U شکل می‌باشد و بانک‌های با سایز متوسط به لحاظ اندازه کارا تر از بانک‌های کوچک و بزرگ می‌باشند. به عبارت دیگر تأثیر اندازه بر سودآوری غیرخطی می‌باشد و در ابتدا سودآوری با افزایش اندازه افزایش می‌یابد و سپس به دلیل افزایش فرایند اداری و سایر دلایل کاهش می‌یابد. به عقیده پاسیورس و کاسمیدو (۲۰۰۸) و راملال (۲۰۰۹) سنجش اندازه بانک به این دلیل صورت می‌گیرد که هرچه بانک بزرگتر باشد، بیشتر می‌تواند از صرفه‌های ناشی از مقیاس در معاملات خود را استفاده کند و سود بیشتری نیز کسب نماید. بنابراین، انتظار می‌رود که رابطه مثبتی میان اندازه و سود بانک وجود داشته باشد. علاوه بر این، تحقیق نظریان و همکاران (۲۰۱۷) که با استفاده از داده‌های اقتصاد کلان و صورتهای مالی بانک ملی ایران برای دوره ۲۰۱۴-۱۹۸۹ و بهره‌گیری از روش پانل دیتای پویا و تخمین رگرسیون GMM انجام شده است، نشان می‌دهد یک رابطه معنی دار بین اندازه بانک و سودآوری بانک ملی ایران وجود دارد. در مقابل، برخی از تحقیقات نظیر؛ باروس<sup>۴</sup> (۲۰۰۷)، ترگنا<sup>۵</sup> (۲۰۰۹)، تان و فلوروس<sup>۶</sup> (۲۰۱۲)، کوراک و همکاران (۲۰۱۲)، مهربان پور و همکاران (۲۰۱۷) وجود رابطه منفی بین اندازه بانک و سودآوری را گزارش نموده‌اند. تا جایی که باروس (۲۰۰۷) به بزرگ بودن و تنوع خدمات بانکی که باعث عملکرد ضعیف می‌شود اشاره می‌کند و بیان می‌نماید بانک‌های کوچک و تخصصی به دلیل کاهش مسأله عدم تقارن اطلاعاتی کارا تر می‌باشند. همچنین، مهربان

1. Bank size (SIZE)
2. Shehzad et al
3. Ramlall
4. Barros et al
5. Tregenna
6. Tan & Floros

پور و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند که افزایش اندازه بانکها منجر به کاهش سودآوری برای آنها خواهد شد که این موضوع را می‌توان به افزایش کاغذبازی بانکهای ایرانی نسبت داد. یکی دیگر از تحقیقاتی که نشان می‌دهد رابطه اندازه بانکها با سودآوری آنها قطعی نیست، تحقیق پتريا و همکاران (۲۰۱۵) می‌باشد که با بهره‌گیری از روش پانل دیتا و استفاده از داده‌های سالانه اقتصاد کلان و نمونه‌ای از ۱۰۹۸ بانک از ۲۷ کشور اتحادیه اروپا برای دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۴ انجام شده است. نتایج تحقیق آنها از این واقعیت حکایت می‌کند که با توجه به تأثیر رقابت بانکها بر سودآوری آنها، بین اندازه بانکها و بازهی کل دارائی‌ها (ROA) رابطه معنادار آماری وجود ندارد، در حالی که بین اندازه بانکها و بازهی کل حقوق صاحبان سهام (ROE) یک رابطه معنادار آماری قابل توجه وجود دارد. تحقیق گُدارد و همکاران (۲۰۰۴) نیز نشان داده است که اندازه بانکهای مقدونیه از نظر آماری یک اثر جزئی بر سودآوری آنها دارد.

#### – مدل کسب و کار

در نظر گرفتن اثر مدل کسب و کار<sup>۱</sup> بانکها بر سودآوری آنها مهم است ( $PUI = 0.07$ )؛ به طوری که دمیرگوک کانت و هیوزینگا (۲۰۱۰)، کُک و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۶)، دترياجايش و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۸)، والورده و فرناندز<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) به طور خاص به این موضوع پرداخته و مدل کسب و کار بانکها را عامل تمایز در رویکردها و خط مشی‌های داخلی مدیریت بانکها گزارش نموده‌اند.<sup>۵</sup> ایادی و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۵) معتقدند که اگرچه برخی از تحقیقات به طبقه‌بندی مدل کسب و کار بانکها پرداخته‌اند، اما چنین توصیف‌هایی موجب نوعی همپوشانی در برآوردها خواهد شد که ممکن است رابطه مدل کسب و کار با سودآوری پرواضح مشخص نگردد. الکداگ و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۲۰) نیز بیان داشته‌اند که نسبت سپرده به دارایی و وام به دارایی به‌عنوان دو شاخص مهم که برای محاسبه آنها از ترازنامه

1. Business models

2. Kok et al

3. Detragiache et al

4. Valverde & Fernández

۵. ادبیات مقاله حاضر نشان می‌دهد علی‌رغم اهمیت اثر مدل کسب و کار بانکها بر سودآوری آنها، به‌طور خاص به آن پرداخته نشده است اما به‌طور ضمنی از طریق شاخص‌هایی نظیر وام به دارایی، این مهم مورد بررسی قرار گرفته است.

6. Ayadi et al

7. Elekdag et al

بانک‌ها استفاده می‌شود، مدل‌های کسب‌وکار آن‌ها را توصیف می‌کند.<sup>۱</sup> علاوه بر این، باستان و همکاران (۲۰۱۹) با استفاده از رویکرد جریان شبیه‌سازی در سناریویی مدل کسب‌وکاری متفاوت از بانکداری حاکم در کشور ایران ارائه نموده که براساس آن تأثیر جذب منابع بدون سود سپرده و نیز ارائه تسهیلات با نرخ بهره بسیار ناچیز در کنار اخذ کارمزد از کلیه خدمات بانکی سود بانک‌ها افزایش می‌یابد.

### - تنوع‌بخشی

تنوع‌بخشی به‌عنوان یکی از متغیرهای مؤثر بر سودآوری بانک‌ها مهم است ( $PUI = 0.15$ )؛ اما رابطه آن با سودآوری قطعی نیست. مهم‌ترین نظریه در این زمینه «نظریه پورتفولیو» است. مارکوویتز<sup>۲</sup> (۱۹۵۲) پیشگام تئوری پورتفولیو بوده مطالعه خود را در مورد "انتخاب پورتفولیو" و "مبانی نظریه پورتفولیو" انجام داده است. به اعتقاد مارکوویتز (۱۹۹۱) مفهوم اصلی "انتخاب پرتفوی" این است که سرمایه‌گذاران باید وجوه خود را بین اوراق بهاداری که حداکثر بازده مورد انتظار و حداقل واریانس را دارند، به‌طور متنوع تخصیص دهند. در این راستا، نثار و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) معتقدند براساس تئوری پورتفولیو بانک‌هایی که اقدام به تنوع‌بخشی می‌کنند، به‌طور همزمان ریسک آن‌ها کاهش یافته و کارایی آن‌ها افزایش می‌یابد.

تاباک و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) بیان داشته‌اند که تنوع‌بخشی در ادبیات بانکی می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد: تنوع‌بخشی در موقعیت‌های جغرافیایی و مناطق مختلف، تنوع‌بخشی در منابع درآمدی و دارایی‌ها و همچنین در محصولات و خدمات مالی. تنوع‌بخشی در مناطق مختلف جغرافیایی شرایطی را فراهم می‌کند که با توجه به نیازهای مشتریان در آن مناطق امکانات و خدمات مالی مطابق با آن شرایط برای آن‌ها ارائه گردد. اودین و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۲۱) با استفاده از روش داده‌های پانل دیتای پویا به بررسی تأثیر تنوع‌بخشی درآمدها و دارایی‌ها بر سودآوری ۳۲ بانک بنگلادش طی دوره ۲۰۱۶-۲۰۰۷ پرداخته و نشان داده‌اند که رابطه‌ای مثبت و معنادار آماری بین تنوع درآمد و دارایی بانک‌ها با سودآوری

۱. به اعتقاد محقق نسبت دارایی‌های تجاری به کل دارایی‌ها می‌تواند هم در زمینه تنوع درآمد و هم به‌عنوان شاخص مدل کسب‌وکار مورد استفاده قرار گیرد که به‌علت فقدان داده‌های کافی در این زمینه هیچ یک از تحقیقات انجام شده در این زمینه از نسبت مزبور استفاده ننموده‌اند.

2. Markowitz  
3. Nisar et al  
4. Tabak et al  
5. Uddin et al

آن‌ها وجود دارد. الساس و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) به این نکته اشاره می‌کنند که در ابتدا بانک‌ها با افزایش نرخ کارمزد تجاری به سمت تنوع‌بخشی پیش رفتند و بعدها تجارت خود را گسترش داده و به فعالیت‌های تجاری از قبیل تضمین قراردادها وارد شدند. تنوع درآمدی بانک منجر به افزایش سودآوری بانک از محل خدمات غیرربوبی می‌شود. همچنین، آقایی چادگانی و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیق خود با استفاده از روش پانل دیتا به بررسی تأثیر درآمد غیربهره‌ای بر ریسک و سودآوری ۱۶ بانک ایرانی برای دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۶ پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند تنوع‌بخشی در درآمدها با تغییر در کسب سود بانک‌ها از طریق درآمدهای غیربهره‌ای مشهود است که سید پرتفویی شامل ابزارها و سرمایه‌گذاری‌های متفاوت را در آن قرار می‌دهد تا بانک بتواند با ریسک کمتر درآمدهای غیربهره‌ای بیشتری را کسب نماید. با کسب درآمدهای غیربهره‌ای بانک‌ها در برابر سیکل‌های اقتصادی مقاوم‌تر عمل نموده و استراتژی متمرکز کسب درآمد برحسب یک روش خاص را حذف می‌نمایند. استراتژی متمرکز کسب درآمد عموماً با ریسک بیشتری در ارتباط بوده و بانک‌ها را در معرض ریسک بیشتری قرار می‌دهد. آن‌ها در نهایت چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که درآمد غیربهره‌ای بر ریسک و قابلیت سودآوری بانک‌ها اثر معنی داری دارد. عیدی و همکاران (۲۰۱۹) نیز در تحقیقی با استفاده از رویکرد غیرخطی تغییر رژیم مارکوف و داده‌های سری زمانی بانک‌های فعال در بورس اوراق بهادار و بانک ملی ایران برای دوره ۲۰۰۹-۲۰۱۷ به بررسی اثرات نامتقارن متغیرهای کلان بر سودآوری بانک‌های ایران پرداخته و به این نتیجه نائل آمده‌اند که تنوع‌بخشی درآمد اثر مثبت و معنی‌داری بر سودآوری بانک ملی ایران دارد. همچنین تان و فلروس (۲۰۱۲)، مهریان پور و همکاران (۲۰۱۷)، باستان و همکاران (۲۰۱۹) نشان داده‌اند که تنوع‌بخشی درآمد و دارایی‌ها اثر مثبت و معنی داری بر سودآوری بانک‌ها دارد. در مقابل، برخی از مطالعات از جمله سیترو و رامبل<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) نشان داده‌اند که تنوع بالای درآمدی الزاماً منجر به افزایش سودآوری بانک‌ها نمی‌شود. به‌طور مشابه ادیریسوریا و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) نشان داده‌اند افزایش کارایی بانک‌ها به دلیل تنوع‌بخشی دارایی‌ها نیست. دمیرگوک کانت و هیوزینگا (۱۹۹۹)، گیشر و یوتنر<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) و برگر و همکاران (۲۰۱۰) نیز ادعان داشته‌اند که تنوع‌بخشی دارایی‌ها باعث کاهش سود و افزایش هزینه‌ها می‌شود. همچنین، مدودالحق و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۸) معتقدند تنوع‌بخشی به دارایی‌ها به دلیل سیکل‌های اقتصادی منجر به افزایش ریسک برای بانک‌ها می‌شود. فطرس و همکاران (۲۰۱۸)

1. Elsas et al
2. Stiroh & Rumble
3. Edirisuriya et al
4. Gischer & Juttner
5. Moudud-UI-Huq et al

با استفاده از روش پانل دیتا و برآورد مدل حداقل مربعات (GLS) به بررسی عوامل تعیین‌کننده سودآوری ۳۳ بانک ایرانی برای دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۳ پرداخته و چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که تنوع فعالیت‌های بانکی اثر منفی بر سودآوری بانک‌های ایران دارد.

ادبیات تحقیق نشان می‌دهد در اکثر تحقیقات انجام شده برای اندازه‌گیری تنوع‌بخشی درآمد (دارایی) بانک‌ها از شاخص هیرفندال هیرشمن<sup>۱</sup> (HHI) استفاده می‌شود.<sup>۲</sup>

### - کارایی

تحقیقات قابل ملاحظه‌ای درخصوص تأثیر کارایی بر سودآوری بانک‌ها انجام شده است (PUI = 0.58). براساس ادبیات موجود اولین تحقیق تجربی در این زمینه، تحقیق بروکه (۱۹۸۹) است.<sup>۳</sup> بروکه بیان داشته است که رابطه‌ای مثبت و معنادار آماری بین تمرکز و سودآوری بانک‌ها وجود دارد که ممکن است سودآوری بیشتر ناشی از کارایی بیشتر در بانک‌های بزرگتر باشد. دمیرگوک کانت و هیوزینگ (۱۹۹۹) اذعان داشته‌اند که با توجه به ساختار مالی بانک‌ها در کشورهایی که بانکداری رقابتی‌تری دارند کارایی بالاتر داشته و به دنبال آن سودآوری بالاتری دارند. دمیرگوک کانت و هیوزینگ (۲۰۱۰) معتقدند در ارزیابی کارایی بانک‌ها که با معیارهای استاندارد هزینه به درآمد یا هزینه به دارایی ارزیابی می‌شود باید بین هزینه‌های پرسنلی و غیرپرسنلی تفاوت قائل شد. همچنین موداس و فرناندز (۲۰۰۴) نیز بیان داشته‌اند که کاهش هزینه‌های عملیاتی موجب افزایش کارایی و سودآوری بانک‌ها خواهد شد. دیتراچس و همکاران (۲۰۱۸) استدلال نموده‌اند که بازدهی عملیاتی بهتر بانک‌ها ناشی از کارایی بالاتر است. فطرس و همکاران (۲۰۱۸) اذعان داشته‌اند که مدیریت هزینه‌ها موجب افزایش کارایی و در نتیجه افزایش سودآوری برای بانک‌ها می‌شود. برگر و همکاران (۲۰۰۰) به بررسی مقایسه کارایی بانک‌های فرانسه، آلمان، اسپانیا، بریتانیا و آمریکا پرداخته و نتیجه‌گیری کرده‌اند که در آمریکا به‌طور متوسط بانک‌های داخلی نسبت به خارجی کارایی

#### 1. Herfindahl-Hirschman Index

۲. نحوه محاسبه شاخص هیرفندال هیرشمن برای اندازه‌گیری تنوع‌بخشی درآمد (HHI Revenue Diversification) به صورت زیر است:

$$HHIRD = 1 - \left[ \left( \frac{\text{درآمد مالی}}{\text{درآمد کل}} \right)^2 + \left( \frac{\text{کارمزد خدمات بانکی}}{\text{درآمد کل}} \right)^2 + \left( \frac{\text{درآمد سرمایه گذاری ها}}{\text{درآمد کل}} \right)^2 + \left( \frac{\text{سایر}}{\text{درآمد کل}} \right)^2 \right]$$

۳. لازم به ذکر است اولین اقتصاددانی که «کارایی» در اقتصاد را مطرح کرد هیکس (۱۹۳۵) بود.

کمتری دارند. در کشورهای اتحادیه اروپا (فرانسه، آلمان، انگلستان)، کارایی و سودآوری بانک‌های داخلی بالاتر از بانک‌های خارجی است، اما علت این تفاوت مشخص نشده است. ادبیات تحقیق نشان می‌دهد در اکثر تحقیقات برای اندازه‌گیری کارایی بانک‌ها از نسبت هزینه به درآمد یا نسبت هزینه به دارایی استفاده می‌شود که برخی از تحقیقات نظیر آتاناسوگلو و همکاران (۲۰۰۸)، بن‌خدیری و بن‌خدیری (۲۰۰۹)، دیتریش و وانزنرید<sup>۱</sup> (۲۰۱۱)، میرزایی و همکاران (۲۰۱۳)، عبدی و همکاران (۲۰۱۹)، کومار و همکاران (۲۰۲۱) از نسبت هزینه به درآمد برای اندازه‌گیری کارایی استفاده نموده‌اند که با کاهش نسبت هزینه به درآمد کارایی افزایش یافته و به دنبال آن سودآوری بانک‌ها نیز افزایش می‌یابد. با این حال، در ادبیات تحقیق به‌طور خاص فقط تحقیق مهربان پور و همکاران (۲۰۱۷) و الحربی (۲۰۱۹) که از نسبت هزینه به درآمد برای بررسی کارایی بانک‌ها استفاده شده است، نشان می‌دهند یک رابطه منفی بین کارایی و سودآوری بانک‌ها وجود دارد. علت آن را نیز چنین تشریح نموده‌اند که در کشورهای با اقتصاد ضعیف بانک‌ها باید هزینه‌های عملیاتی خود را در بلندمدت به سپرده‌گذاران و مشتریان اعتباری خود منتقل کنند.

#### – نسبت خالص وام به کل دارایی

بسیاری از تحقیقات روی تأثیر نسبت وام به دارایی بر سودآوری بانک‌ها متمرکز شده‌اند (PUI = 0.31). ادبیات تحقیق نشان می‌دهد اثر نسبت وام به دارایی بر سودآوری بانک‌ها مثبت است، یعنی هرچه تعداد و مبلغ وام بیشتر باشد درآمد بانک‌ها نیز بیشتر خواهد بود. تحقیقات بسیاری از جمله سوفیان<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) و منیکوچی و پائولوچی<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) این بینش را تأیید نموده‌اند. قربانی و همکاران (۲۰۱۸) معتقدند که ارائه تسهیلات، بخش زیادی از درآمدهای در پورتفوی اغلب بانک‌ها را به خود اختصاص داده و نظارت و مدیریت کیفیت تسهیلات و وام‌های اعطایی، اهمیت زیادی برای بانک‌ها دارد. به همین دلیل، طبیعی است که بانک‌ها سیاست وام‌دهی خود را در وضعیت‌های مختلف چرخه‌های تجاری تغییر دهند. تحقیقات بسیار زیادی، نشان داده است که بانک‌ها میزان وام‌دهی خود را طی دوره رکود، کمتر و طی دوره رونق، بیشتر می‌کنند. بنابراین، چرخه‌های وام‌دهی موجب تشدید چرخه‌های تجاری می‌شوند. در این راستا بررسی نسبت خالص وام به دارایی کل بانک‌ها از جهت تأثیری که بر سودآوری و توزیع شرطی سودآوری می‌تواند داشته باشد حائز اهمیت

1. Dietrich & Wanzenried

2. Sufian

3. Menicucci & Paolucci

است. بن‌خدیری و بن‌خدیری (۲۰۰۹) با استفاده از روش پانل دیتای نامتعادل به بررسی عوامل تعیین‌کننده سودآوری بانک‌های اسلامی منطقه MENA برای دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۹ پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که نسبت خالص وام به دارایی کل به‌عنوان یکی از متغیرهای مورد بررسی دارای رابطه مثبت و معنادار آماری با سودآوری بانک‌ها می‌باشد. همچنین، الکداگ و همکاران (۲۰۲۱) با استفاده از رویکرد رگرسیون کوانتایل به بررسی عوامل تعیین‌کننده سودآوری در بانک‌های بزرگ منطقه یورو پرداخته‌اند. آن‌ها از نسبت خالص وام به کل دارایی به‌عنوان یک متغیر توضیحی استفاده نموده‌اند که رابطه مثبت بین نسبت خالص وام به کل دارایی و سودآوری بانک‌ها به‌عنوان یکی از نتایج تحقیق آن‌ها قابل ملاحظه می‌باشد. باین‌حال برخی از تحقیقات از جمله کاسمدیو و همکاران (۲۰۰۵)، هفرنان و فو<sup>۱</sup> (۲۰۰۸)، الحربی (۲۰۱۹)، خادمی و همکاران (۲۰۲۰) و رحمانی (۲۰۲۴) معتقدند رابطه منفی بین نسبت وام به دارایی و سودآوری بانک‌ها وجود دارد.

#### - نسبت بدهی به دارایی

ادبیات تحقیق نشان می‌دهد یکی از معیارهای تعیین‌کننده سودآوری بانک‌ها نسبت بدهی به دارایی است. اگرچه در ادبیات تحقیق به این موضوع کمتر پرداخته شده است ( $PUI = 0.12$ )، اما در بررسی توزیع شرطی سودآوری بانک‌ها می‌تواند مهم تلقی شود. سید نورانی و همکاران (۲۰۱۲) با استفاده از روش پانل دیتا به بررسی رابطه علیت بین سرمایه و سودآوری در ۱۸ بانک ایرانی برای دوره ۲۰۰۳-۲۰۰۹ پرداخته‌اند و به‌عنوان یکی از نتایج تحقیق خود وجود رابطه مثبت و معنادار آماری بین نسبت بدهی به سرمایه و سودآوری بانک‌ها را گزارش نموده‌اند. آن‌ها معتقدند که نسبت بدهی به دارایی به‌عنوان منبع ارزان تأمین مالی محسوب می‌شود که منجر به افزایش سودآوری می‌شود. همچنین بالا بودن نسبت بدهی به دارایی را از نظر مزایای مالیاتی حائز اهمیت تلقی نموده‌اند. همچنین، هوانگ<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) با استفاده از روش پانل دیتا به بررسی تمرکز مالکیت و سودآوری نمونه‌ای از ۱۶ بانک چینی برای دوره ۲۰۰۷-۲۰۱۸ پرداخته است که یکی از نتایج برآورد مدل او وجود رابطه‌ای مثبت بین نسبت بدهی به سرمایه و سودآوری بانک‌ها می‌باشد.

در تحقیق خادمی و همکاران (۲۰۲۰) که با استفاده از رگرسیون خودبرداری پانل دیتا به بررسی متغیرهای خاص بانکی و کلان اقتصادی بر سودآوری ۱۰ بانک ایرانی برای دوره ۲۰۰۱-۲۰۱۸ پرداخته شده است رابطه بین نسبت بدهی به دارایی و سودآوری بانک‌ها را مثبت برآورد کرده و بیان داشته‌اند

1. Heffernan & Fu

2. Huang

که این نسبت جمع کل بدهی‌ها را با جمع کل دارایی‌ها مقایسه می‌کند. به عبارت دیگر نسبت بدهی به دارایی، درصد کل منابعی را که از طریق قرض گرفتن از طلبکاران تأمین شده است را نشان می‌دهد. به طوری که افزایش این نسبت به شرطی که معیار نقدشوندگی بالا باشد، موجب افزایش سرمایه‌گذاری و تسهیلات اعطایی از سوی بانک‌ها می‌شود.

### - نسبت مالکانه (ریسک سرمایه)

ادبیات تحقیق نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین متغیرها در بررسی سودآوری بانک‌ها، نسبت مالکانه می‌باشد ( $PUI = 0.56$ ). آتاناسولولو و همکاران (۲۰۰۸) معتقدند این نسبت نشان‌دهنده آن است که چند درصد از دارایی‌های بانک متعلق به حقوق صاحبان سهام است.

نجفی شریعت‌زاده و همکاران (۲۰۱۶) با استفاده از الگوی خود توضیح‌برداری با وقفه‌های توزیعی ARDL به بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر سودآوری ۸ بانک تجاری ایران برای دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۹ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از این واقعیت است که از میان متغیرهای تحت بررسی، نسبت مالکانه دارای بیشترین اثر بر سودآوری بانک‌های تجاری ایران است. در کوتاه‌مدت افزایش میزان نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی‌ها دارای اثری بیشینه و مستقیم بر سودآوری بانک‌های تجاری ایران می‌باشد، به طوری که افزایش آن طی دوره مورد بررسی باعث افزایش سودآوری بانک‌های تجاری ایران شده است. در مقابل این بینش، تحقیق مهربان پور و همکاران (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که بین نسبت مالکانه و سودآوری بانک‌ها رابطه‌ای منفی و معنی‌دار وجود دارد. آن‌ها اذعان نموده‌اند که افزایش نسبت مالکانه سودآوری بانک‌ها را کاهش می‌دهد و علت آن به این موضوع برمی‌گردد که در محاسبه نسبت مالکانه، افزایش حقوق صاحبان سهام که به‌عنوان متغیر سودآوری در نظر گرفته می‌شود موجب کاهش بازده حقوق صاحبان سهام می‌شود.

لی و نووین<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) با استفاده از رویکرد رگرسیون کواتتایل به بررسی تأثیر ساختار سرمایه بر سودآوری بانک در سیستم بانکی ویتنام برای دوره ۲۰۱۹-۲۰۰۷ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد رابطه غیرخطی بین سرمایه‌گذاری و سودآوری بانک فقط در کواتتایل ۹۰ قابل مشاهده است. همچنین از یک نقطه عطفی نسبت سرمایه در طول توزیع سودآوری افزایش می‌یابد. علاوه بر این، افزایش مداوم در الزامات سرمایه‌ای بانک لزوماً منجر به سودآوری بالاتر بانک نمی‌شود.

ادبیات تحقیق نشان می‌دهد در تحقیقات انجام شده از نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها به‌عنوان نسبت مالکانه استفاده می‌شود.

### - کیفیت دارایی‌ها<sup>۱</sup>

تحقیقات قابل توجهی در زمینه تأثیر کیفیت دارایی‌ها بر سودآوری بانک‌ها انجام شده است (PUI = 0.54). تاحی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) با استفاده از رگرسیون پانل آستانه به بررسی تأثیر سلامت مالی بر سودآوری ۱۱ بانک تجاری ایران برای دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۵ پرداخته و استدلال نموده‌اند که ارزش تسهیلات وابسته به ارزش نقد شدن وثایق آن است؛ درحالی‌که ارزش سرمایه‌گذاری‌ها وابسته به ارزش بازار می‌باشد. بدین جهت از بانک‌ها انتظار می‌رود از دارایی‌های باثبات در پرتفوی خود استفاده نمایند و برای کاهش ارزش دارایی‌های خود برنامه‌زمانبندی شده و ذخایر مناسب برای جبران ارزش آن در نظر گیرند. نتایج تحقیق آن‌ها از این واقعیت حکایت می‌کند که افزایش مطالبات غیرجاری بانک‌ها باعث کاهش کیفیت دارایی‌ها شده و این افزایش تأثیر منفی و معنی‌داری بر سودآوری بانک‌ها دارد. همچنین، احمد و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) با استفاده از پانل دیتای نامتعادل به بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری ۷۸ بانک آسیای شرقی و ۸۹ بانک آمریکای لاتین برای دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۳ پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که نسبت وام غیرجاری به کل وام (NPL / TL) به‌عنوان متغیری برای مواجهه با ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیر منفی و معنی‌داری بر سودآوری آن‌ها دارد. در تحقیق دیگری که توسط مهربان پور و همکاران (۲۰۱۷) انجام شده است نسبت وام‌های معوق به کل وام‌ها به‌عنوان متغیر کیفیت دارایی‌های بانک مورد استفاده قرار گرفته و رابطه‌ای مثبت بین کیفیت دارایی‌ها و سودآوری بانک‌ها گزارش شده است. آن‌ها بیان داشته‌اند بانک‌هایی که سهم کمتری از دارایی‌های با نقدشوندگی بالا نگهداری می‌کنند ریسک نقدینگی بالاتری را می‌پذیرند و احتمال بیشتری در کسب سودهای بالاتر دارند.

به عقیده آینوتا و همکاران (۲۰۰۷) این اجماع وجود دارد که سودآوری بانک‌ها مستقیماً به کیفیت دارایی‌های موجود در ترازنامه بستگی دارد، به این معنا که کیفیت اعتباری ضعیف تأثیر منفی بر سودآوری بانک‌ها می‌گذارد و بالعکس؛ زیرا دارایی‌های مشکوک الوصول منجر به عدم تحقق درآمد شده و بانک‌ها باید بخش مهمی از حاشیه سود را برای پوشش زیان‌های اعتباری ذخیره‌گیری نمایند.

1. Asset Quality

2. Fatahi et al

3. Ahmad et al

در مقابل، مستر<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) معتقد است که افزایش کیفیت وام‌ها نیازمند دریافت تعهدات اعتباری بیشتری و نظارت مستمر بر وام‌ها می‌باشد که خود باعث افزایش هزینه بانک‌ها می‌شود. با این وجود، شعبانی و همکاران (۲۰۲۳) با استفاده از روش رگرسیون کوانتایل داده‌های پنلی به برآورد عوامل سیکلی، ساختاری و خاص مؤثر بر سودآوری ۲۰ بانک و مؤسسه اعتباری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۱۴۰۱-۱۳۸۸ پرداخته و نشان داده‌اند که توزیع شرطی سودآوری بانک‌ها تحت تأثیر عوامل سیکلی، ساختاری و خاص بانک‌ها قرار دارد و شوک‌های این عوامل اثرات متفاوت و نامتقارنی بر توزیع شرطی سودآوری دارند و به‌طور کلی نسبت مطالبات غیرجاری (عامل خاص بانکی) بیشترین اثرگذاری را بر توزیع شرطی سودآوری دارد.

ادبیات تحقیق نشان می‌دهد در اکثر تحقیقات انجام شده از نسبت وام‌های غیر جاری (NPL) به کل وام‌ها به‌عنوان کیفیت دارایی‌ها استفاده می‌شود.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این مقاله با استفاده از روش تجزیه و تحلیل ماتریس مفهوم محور، سه بُعد کلی از عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها یعنی عوامل سیکلی، ساختاری و خاص بانک‌ها را طی یک فرآیند کدگذاری باز در ۱۷ زیرشاخه تجزیه و تحلیل نمود. نتایج مقاله نشان می‌دهد که تعامل عوامل سیکلی، ساختاری و خاص بانک‌ها بر سودآوری آن‌ها، هنوز فاقد درک عمیقی بوده و به تحقیقات تجربی بیشتری نیاز دارد. همچنین یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد اندازه بانک که با استفاده از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های بانک محاسبه می‌شود، به‌عنوان متغیری کلیدی در بیشتر تحقیقات مرتبط با سودآوری بانک‌ها (۷۵٪ مقالات) به‌کار گرفته شده است. همچنین متغیر رشد اقتصادی به‌عنوان یک پراکسی از محیط اقتصادی پرکاربردترین متغیر در بررسی عوامل سیکلی مؤثر بر سودآوری بانک‌ها در تحقیقات انجام شده (۶۹٪ مقالات) طی دوره مورد بررسی بوده است. علاوه بر این، شاخص تمرکز بازار به‌عنوان وضعیتی است که در آن، بازار به وسیله تعداد کمی از بنگاه‌های پیشرو کنترل می‌شود، کاربردی‌ترین متغیر در بررسی عوامل ساختاری مؤثر بر سودآوری بانک‌ها در تحقیقات انجام شده (۴۹٪ مقالات) طی دوره مورد بررسی بوده است. جدول (۴) درصد فراوانی متغیرهای مورد بررسی در تحقیقات انجام شده را نشان می‌دهد. هدف اصلی این مقاله، گزارش نتایج تجربی تحقیقات انجام

شده و شناسایی بیشتر شکاف‌های دانش موجود بود که دیگر محققان را به تأمل بیشتر در روش‌شناختی تحقیقات آینده وا می‌دارد.

جدول ۴: فراوانی متغیرهای استفاده شده در تحقیقات تجربی (PUI)

درصد فراوانی متغیرهای استفاده شده در تحقیقات تجربی (PUI)	کدهای دستوری ثانویه	کدهای دستوری اولیه
۶۹	محیط اقتصادی	عوامل سیکلی
۱۹	نرخ بهره	
۲۲	بدهی دولت	
۳۹	تورم	
۱۰	شرایط کسب‌وکار	
۴۷	تمرکز بازار	عوامل ساختاری
۱۵	رقابت پذیری	
۲۴	مالکیت	
۲۷	ساختار نهادی و نظارتی	عوامل خاص بانک
۷۵	اندازه	
۷	مدل کسب‌وکار	
۱۵	تنوع بخشی	
۵۸	کارایی	
۳۱	نسبت وام به دارایی	
۱۲	نسبت بدهی به دارایی	
۵۶	نسبت مالکانه	
۵۴	کیفیت دارایی‌ها	

با توجه به تحقیقات فراوانی که در خصوص عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها انجام شده است، هنوز رویکردهایی وجود دارد که لازم است محققان بر روی آن‌ها تمرکز کنند. در واقع، تحقیقات انجام شده نشان می‌دهند علی‌رغم واقعیت و ارتباط موضوع، عوامل تعیین‌کننده سودآوری بانک‌ها هنوز هم تا حدودی درک شده‌اند. در این راستا، یافته‌های این مقاله نشان داد که تحقیقات آینده در چند زمینه می‌توانند به توسعه ادبیات تحقیق و هدایت و پیشبرد اهداف بانک‌ها به‌عنوان بنگاه‌های اقتصادی کمک کنند. اولاً، تحقیقات اقتصاد خرد بر روی متغیرهای مؤثر بر عملکرد بانک‌ها انجام شود. همان‌طور که یافته‌های بالا نشان می‌دهد اغلب مقالات بر روی عوامل کلان اقتصادی یا اقتصاد کلان متمرکز

شده‌اند. حال آنکه نظریه‌های بیان شده از دید محدود به متغیرهای اقتصاد کلان می‌نگرند. ثانیاً، برای درک کامل مسأله، یک رویکرد میان رشته‌ای نیاز است که فراتر از متغیرهای اقتصاد کلان به تحقیقات تجربی بپردازد. چنین تحقیقاتی می‌تواند منجر به نتایج ارزشمندی شود و دانش بدست‌آمده از مطالعات موجود را دقیق‌تر و کاربردی‌تر نماید تا برای سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری نیز مفید باشد.

## منابع و مأخذ

### الف. فارسی

- آقایی چادگانی، آرزو و بخردی نسب، وحید. (۱۳۹۷). تأثیر درآمد غیربهره‌ای بر ریسک و سودآوری (مورد مطالعه: بررسی تطبیقی بانک‌های سالم مالی و بانک‌های در معرض خطر). مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، ۴(۹)، ۱۴۰-۱۰۳.
- باستان، مهدی. اکبرپور، ساره. احمدوند، علی محمد. (۱۳۹۸). شبیه‌سازی پارادوکس سودآوری بانک‌های تجاری ایران: مدلی بر اساس رویکرد پویایی‌شناسی سیستم. اقتصاد پولی مالی، ۲۶(۱۸)، ۱۹۷-۲۴۲. doi: 10.22067/pm.v26i17.65314
- پورمهر، مهدی. سپهر دوست، حمید. نظیری، محمدکاظم و مهرگان، نادر. (۱۳۹۷). تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی و کیفیت مدیریت بر سودآوری بانک‌های خصوصی؛ رهیافت الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری. تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی. ۹(۳۴): ۲۰۱-۲۵۴.
- رحمانی، تیمور و اصفهانی، پوریا. (۱۳۹۵). ارزیابی رابطه بین سیکل‌های بخش مسکن، تسهیلات بخش مسکن و مطالبات معوق. فصلنامه علمی اقتصاد مسکن. ۵۷، ۳۱-۱۱.
- سیدنورانی، سیدمحمدرضا. امیری، حسین و محمدیان، عادل. (۱۳۹۱). رابطه علیت بین سرمایه بانک و سودآوری؛ با تأکید بر جنبه نظارتی ساختار سرمایه. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی. ۲(۶)، ۱۱-۴۴.
- شعبانی، وحید. هژبرکیانی، کامبیز. حسینی، سیدشمس‌الدین و دامن کشیده، مرجان. (۱۴۰۲). مدل سازی توزیع شرطی سودآوری بانک‌ها؛ شواهدی از ایران. اقتصاد و الگو سازی، ۱۴(۲)، ۱۶۷-۲۰۰.
- عبدی، داوود؛ مرادی، مهدی و تکیه، لورنس انویه. (۱۳۹۸). بررسی اثرات نامتقارن متغیرهای اقتصادی بر سودآوری بانک‌ها بر اساس الگوی بانکداری جامع (مورد مطالعه: بانک ملی ایران). نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۴(۴)، ۲۱۶-۱۹۱.

فطرس، محمدحسن؛ فردوسی، مهدی؛ عیسی زاده، سعید و سپهردوست، حمید. (۱۳۹۷). عوامل تعیین‌کننده سودآوری در نظام بانکی ایران با تاکید بر ساختار بازار و رفتار ریسک‌پذیری. *اقتصاد پولی، مالی (دانش و توسعه)*. ۲۵ (دوره جدید) (۱۶)، ۱-۲۰.

قربانی، فهمیده؛ دین محمدی، مصطفی و جباری، امیر. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ادوار تجاری بر سوددهی بانک‌های دولتی و خصوصی در ایران (طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۴). *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۲(۵)، ۷۸-۵۳.

مهربان پور، محمدرضا؛ نادری نورعینی، محمدمهدی؛ اینالو، عفت، و اشعری، الهام. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۴(۵۴)، ۱۱۳-۱۳۴.

نجفی شریعت زاده، ایرج؛ شعبان زاده، مهدی و زمردیان، غلامرضا. (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر سودآوری بانک‌های تجاری ایران با استفاده از الگوی پنل ARDL. *مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار (مدیریت پرتفوی)*، ۷(۲۹)، ۱۷۲-۱۵۱.

نظریان، رافیک؛ محرابیان، آزاده و مرادی، برژانگ. (۱۳۹۶). بررسی اثر چرخه‌های اقتصادی بر عملکرد بانک‌ها در ایران مطالعه موردی بانک ملی ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۳). *اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)*، ۱۱(۴۰)، ۱۳۸-۱۱۷.

نوری بروجردی، پیمان؛ جلیلی، محمد و مردانی، فاطمه. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر تمرکز و سایر عوامل در صنعت بانکداری بر سودآوری بانک‌های دولتی. *پژوهش‌های پولی-بانکی*، ۵، ۱۷۵-۲۰۲.

## ب. انگلیسی

Abdul Jamal, A. A., Abdul Karim, M. R., & Hamidi, M. (2012). Determinants of Commercial Banks Return on Asset: Panel Evidence from Malaysia. *International Journal of Commerce, Business and Management*, 1(3), 2319- 2828.

Albertazzi, U., & Gambacorta, L. (2006). Bank Profitability and the Business Cycle. *SSRN Electronic Journal*. doi: 10.2139/ssrn. 935026

Albertazzi, U., & Gambacorta, L. (2009). Bank Profitability and the Business Cycle. *Journal of Financial Stability*, 5(4), 393-409. doi: 10.1016/j. jfs. 2008.10.002

Alexiou, C., & Sofoklis, V. (2009). Determinants of Bank Profitability: Evidence from the Greek banking sector. *Ekonomski Anali*, 54(182), 93-118. doi: 10.2298/eka0982093a

Al-Harbi, A. (2019). The Determinants of Conventional Banks Profitability in Developing and Underdeveloped OIC Countries. *Journal of Economics, Finance and Administrative Science*, 24(47), 4-28. doi: 10.1108/jefas-05-2018-0043

Alper, D. & Anbar, A. (2011). Bank Specific and Macroeconomic Determinants of Commercial Bank Profitability: Empirical Evidence from Turkey. *Business and Economics Research Journal*, 2(2), 139-152.

Athanasoglou, P. P., Brissimis, S. N., & Delis, M. D. (2008). Bankspecific, Industry-specific and Macroeconomic Determinants of Bank Profitability. *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 18(2), 121-136. doi: 10.1016/j.intfin.2006.07.001

Avgeri, I., Dendramis, Y., & Louri, H. (2021). The Single Supervisory Mechanism and its Implications for the Profitability of European Banks. *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 74, 101382. doi: 10.1016/j.intfin.2021.101382

Barros, C. P., Ferreira, C., & Williams, J. (2007). Analysing the Determinants of Performance of Best and Worst European Banks: A mixed Logit Approach. *Journal of Banking & Finance*, 31(7), 2189–2203. doi: 10.1016/j.jbankfin.2006.11.01.

Bashir, A. M. (2003). Determinants of profitability in Islamic banks: Some Evidence from the Middle East. *Islamic Economic Studies*, 11(1), 31-54.

Berger, A. N. (1995). The Relationship between Capital and Earnings in Banking. *Journal of Money, Credit and Banking*, 27(2), 432. doi: 10.2307/2077877

Berger, A. N., DeYoung, R., Genay, H., & Udell, G. (2000). Globalization of Financial Institutions: Evidence from Cross-border Canking Performance. *Bookings-Wharton Papers on Financial Services*. Brookings Institution Press, Washington, DC, 23–158.

Berger, A. N. , Hasan, I. and Zhou, M. (2010), The Effects of Focus Versus Diversification on Bank Performance: Evidence From Chinese Banks. *Journal of Banking and Finance*, 34(7), 1417-1435.

Bourke, P. (1989). Concentration and other Determinants of Bank Profitability in Europe, North America and Australia. *Journal of Banking & Finance*, 13(1), 65–79. doi: 10.1016/0378-4266 (89)90020-4

Curak, M., Poposki, K., & Pepur, S. (2012). Profitability Determinants of the Macedonian Banking Sector in Changing Environment. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 44, 406–416. doi: 10.1016/j.sbspro.2012.05.045

Dao, B. T. T., & Nguyen, K. A. (2020). Bank Capital Adequacy Ratio and Bank Performance in Vietnam: A Simultaneous Equations Framework. *Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 7(6), 39–46.

Davydenko, A. (2010). Determinants of Bank Profitability in Ukraine. *Undergraduate Economic Review*, 7(1), 01-31.

Demirguc-Kunt, A., & Huizinga, H. (1999). Determinants of Commercial Bank Interest Margins and Profitability: Some International Evidence. *The World Bank Economic Review*, 13(2), 379-408. doi: 10.1093/wber/13.2.379

Demirgüç-Kunt, A., Huizinga, H. (2010). Bank Activity and Funding Strategies: the Impact on Risk and Returns. *Journal of Financial Economics*, 98 (3), 626-650.

De-Ramon, S. J. A., Francis, W. B., & Straughan, M. (2019). Bank Competition and Stability in the United Kingdom: Evidence from Quantile Regression. *Bank of England Staff Working Paper*, 160.

Detragiache, E., Tressel, T., & Turk-Ariss, R. (2018). *Where Have All the Profits Gone? European Bank Profitability over the Financial Cycle*. International Monetary Fund, Washington, DC.

Dietrich, A., & Wanzenried, G. (2011). Determinants of Bank Profitability before and during the Crisis: Evidence from Switzerland. *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 21(3), 307-327.

Djalilov, K., & Piesse, J. (2016). Determinants of Bank Profitability in Transition Countries: What matters most?. *Research in International Business and Finance*, 38, 69-82. doi: 10.1016/j.ribaf.2016.03.015

Ebrahimi, P., Fekete-Farkas, M., Bouzari, P., & Magda, R. (2021). Financial Performance of Iranian Banks from 2013 to 2019: A Panel Data Approach. *Journal of Risk and Financial Management*, 14(6), 257. doi: 10.3390/jrfm14060257

Edirisuriya, P., Gunasekarage, A. & Dempsey, M. (2015), Bank Diversification, Performance and Stock Market Response: Evidence from Listed Public Banks in South Asian Countries. *Journal of Asian Economics*, 41, 69-85.

Elekdag, S., Malik, S. H., & Mitra. S. (2020). Breaking the Bank? A Probabilistic Assessment of Euro Area Bank Profitability. *Journal of Banking & Finance*. 120, 1-16. doi: 10.1016/j.jbankfin.2020.105949

Elsas, R., Hackethal, A., & Holzhäuser, M. (2010). The Anatomy of Bank Diversification, *Journal of Banking & Finance*, 34(6), 1274-1278.

Gischer, H., & Juttner, D. J. (2001). Profitability and Competition in Banking Markets: An Aggregative Cross Country Approach. *Mimeo: Otto-Von-Guericke University*. <https://citeseerx.ist.psu.edu/document?repid=rep1&type=pdf&doi=043df11a0bc1718fb4382b608dd930937704685b>

Goddard, J., Molyneux, P., & Wilson, J. (2004). Dynamics of growth and profitability in banking. *Journal of Money Credit and Banking*, 36(3), 1069-1090. doi: 10.2307/3839101

Goddard, J. , Molyneux, P. , & Wilson, J. O. S. (2004). The Profitability of European Banks: a Cross-sectional and Dynamic Panel Analysis. *The Manchester School*, 72(3), 363–381. doi: 10.1111/j. 1467-9957.2004.00397. x

Heffernan, S. and Fu, M. (2008). The determinants of bank performance in China, *Working paper series*, No. WP-EMG-03-2008, Cass Business School, City University.

Hopkins, W. E., & Hopkins, S. A. (1997). Strategic Planning-Financial Performance Relationships in Banks: A Causal Examination. *Strategic Management Journal*, 18 (8), 635-652.

Huang, Q. (2020). Ownership Concentration and Bank Profitability in China. *Economics Letters*, 109525. doi: 10.1016/j. econlet. 2020.109525

Javaid, S., Anwar, J., Zaman, K. & Gafoor, A. (2011). Determinants of Bank Profitability in Pakistan: Internal Factor Analysis. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 2(1), 2039-2117.

Kanas, A., D. Vasiliou, & N. Eriotis. (2012). Revisiting Bank Profitability: A Semi-Parametric Approach. *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 22 (4), 990–1005. doi: 10.1016/j. intfin. 2011.10.003.

Khademi, S. R., Falihi, N., Dalmanpour, M., & Naghi Lou, A. (2020). Investigating the Effects of Specific Banking and Macroeconomic Variables on the Profitability of Banks (Comparison of neoclassical and post-Keynesian schools). *Journal of Financial Economics*, 14 (53), 213-252.(In Persian)

Khediri, K. B., & Khedhiri, H. B. (2009). Determinants of Islamic Bank Profitability in the MENA Region. *International Journal of Monetary Economics and Finance*, 2(3/4), 409. doi: 10.1504/ijmef. 2009.029072

Kosmidou, K., Tanna, S. & Pasiouras, F. (2005). Determinants of Profitability of Domestic UK Commercial Banks: Panel Evidence from the Period 1995-2002. *37th Annual Conference of the Money Macro and Finance Research Group Proceedings*, Rethymno, 1-3 September, available at: <http://images.coventry.ac.uk/bes/cubs/aboutthebusinessschool/Economicsfinanceandaccounting/Documents/RP2008-4.pdf> (accessed 2 August 2009).

Kumar, V., Thrikawala, S., & Acharya, S. (2021). Financial Inclusion and Bank Profitability: Evidence from a Developed Market. *Global Finance Journal*, 100609. doi: 10.1016/j. gfj. 2021.100609

Le, Tu D. Q., & Dat T. Nguyen. (2020). Capital Structure and Bank Profitability in Vietnam: A Quantile Regression Approach. *Journal of Risk and Financial Management*, 13(8), 168.

Lindblom, T., & von Koch, C. (2002). Cross-Border Bank Mergers and Acquisitions in the EU. *The Service Industries Journal*, 22(4), 41–72. doi: 10.1080/714005097

- Markowitz, H. (1952). Portfolio selection. *The Journal of Finance*, 7(1), 77-91.
- Markowitz, H. M. (1991). Foundations of portfolio theory. *The Journal of Finance*, 46(2), 469-477.
- Maudos, J., & Fernández de Guevara, J. (2004). Factors explaining the interest margin in the banking sectors of the European Union. *Journal of Banking & Finance*, 28(9), 2259–2281. doi: 10.1016/j.jbankfin. 2003.09.00
- Menicucci, E., & Paolucci, G. (2016). Factors affecting bank profitability in Europe: an empirical investigation. *African Journal of Business Management*, 10(17), 410-420.
- Mirzaei, A., & Mirzaei, Z. (2011). Bank-specific and Macroeconomic Determinants of Profitability in Middle Eastern Banking. *Iranian Economic Review*, 15(29).
- Mirzaei, A., Moore, T., & Liu, G. (2013). Does Market Structure Matter on Banks' Profitability and Stability? Emerging vs. Advanced Economies. *Journal of Banking & Finance*, 37(8), 2920–2937.
- Missaoui, S., & Raissi, N. (2020). Governance Effect of Board of Directors on Banking Performance: Evidence From Tunisia. *International Journal of Financial Research*, 11(2), 358.(In Persian), doi: 10.5430/ijfr. v11n2p358
- Molyneux, P., & Thornton, J. (1992). Determinants of European Bank Profitability: A Note. *Journal of Banking & Finance*, 16(6), 1173–1178. doi: 10.1016/0378-4266(92)90065-8
- Moudud-UI-Huq, S., Ashraf, B. N., Gupta, A. D., & Zhang, C. (2018). Does bank diversification heterogeneously affect performance and risk-taking in ASEAN emerging economies?. *Research in International Business and Finance*, 46, 342-362.
- Muda, M., Shaharuddin, A., & Embaya, A. (2013). Profitability Determinants and the Impact of Global Financial Crisis: A Panel Data Analysis of Malaysian Islamic Banks. *Research Journal of Finance and Accounting*, 4(7), 121-130.
- Mustafa, A. R., Ansari, R. H., & Younis, M. U. (2011). Does the loan loss provision affect the banking profitability in case of Pakistan?. *Asian Economic and Financial Review*, 2(7), 772-783.
- Nataraja, N. S., Chilale, N. R., & Ganesh, L. (2018). Financial Performance of private Commercial Banks in India: Multiple Regression Analysis. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 22(2), 1-12
- Nisar, S., Peng, K., Wang, S., & Ashraf, B. (2018). The Impact of Revenue Diversification on Bank Profitability and Stability: Empirical Evidence from South Asian Countries. *International Journal of Financial Studies*, 6(2), 1-25. doi: 10.3390/ijfs6020040

Obamuyi, T. M. (2013). Determinants of Bank's Profitability in a Developing Economy: Evidence from Nigeria. *Organizations and Markets in Emerging Economies*, 4(2), 97-109.

Pasiouras, F., & Kosmidou, K. (2007). Factors Influencing the Profitability of Domestic and Foreign Commercial Banks in the European Union. *Research in International Business and Finance*, 21(2), 222-237. doi: 10.1016/j.ribaf.2006.03.007

Perry, P. (1992). Do Banks Gain or Lose From Inflation. *Journal of Retail Banking*, 14(2), 25-30

Petria, N. Capraru, B., & Ihnatov, I. (2015). Determinants of Banks' Profitability: Evidence from EU 27 Banking Systems. *Procedia Economics and Finance*, 20, 518-524. Doi: 10.1016/S2212-5671(15)00104-5

Ramlall, I. (2009). Bank-Specific, Industry-Specific and Macroeconomic Determinants of Profitability in Taiwanese Banking System: Under Panel Data Estimation. *International Research Journal of Finance and Economics*, (34), 160-167.

Senan, N., Anagreh, S. A., Al-Dalaïen, B. O. A., S. D. Khaled, A & AL-Homaidi, E. A (2021). Working Capital Management and Banks' Performance: Evidence from India. *Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8(6), 0747-0758.

Shehzad, C. T., De Haan, J., & Scholtens, B. (2013). The Relationship between Size, Growth and Profitability of Eommercial Banks. *Applied Economics*, 45(13), 1751-1765. doi: 10.1080/00036846.2011.637896.

Shook, C. L., Ketchen, D. J., Cycyota, C.S., Crockett, D. (2003) Data Analytic Trends and Training in Strategic Management. *Strategic Management Journal*, 24(12), 1231-1237. doi: 10.1002/smj. 352

Short, B. (1979). The Relation between Commercial Bank Profit Rates and Banking Concentration in Canada, Western Europe and Japan. *Journal of Banking and Finance*, 3 (4), 209- 219.

Smirlock, M. (1985). Evidence on the (non) Relationship between Concentration and Profitability in Banking. *Journal of Money, Credit and Banking*, 17(1), 69-83.

Stiroh, K. J., & Rumble, A. (2006). The Dark side of Siversification: The Case of US Financial Holding Companies. *Journal of Banking & Finance*, 30(8), 2131-2161. doi: 10.1016/j.jbankfin. 2005.04.030

Stone-Romero, E. F., Weaver, A. E., & Glenar, J. L. (1995). Trends in Research Design and Data Analytic Strategies in Organizational Research. *Journal of Management*, 21(1), 141-157. doi: 10.1177/014920639502100109

Sufian, F. & Chong, R. R. (2008). Determinants of Bank Profitability in a Developing Economy: Empirical Evidence from the Philippines. *Asian Academy of Management Journal of Accounting and Finance*, 4(2), 91-112.

Sufian, F. (2012), Determinants of Bank Profitability in Developing Economies: Empirical Evidence from the South Asian banking Sectors. *Contemporary South Asia*, 20(3), 375-399.

Tabak, B. M., Fazio, D. M., & Cajueiro, D. O. (2011). The Effects of Loan Portfolio Concentration on Brazilian Banks' Return and Risk. *Journal of Banking & Finance*, 35(11), 3065–3076. doi: 10.1016/j.jbankfin. 2011.04.006

Tan, Y., & Floros, C. (2012). Bank Profitability and Inflation: the Case of China. *Journal of Economic Studies*, 39(6), 675-696.

Tan, Y., & Floros, C. (2012). Bank Profitability and GDP Growth in China: A note. *Journal of Chinese Economic and Business Studies*, 10(3), 267–273.

Tregenna, F. (2009). The fat years: the structure and profitability of the U. S. banking sector in the pre-crisis period. *cambridge journal economics*. 33 (4), 609–632.

Uddin, M. J., Majumder, M. T. H., Akter, A., & Zaman, R. (2021). Do the Diversification of Income and Assets Spur Bank Profitability in Bangladesh? A dynamic panel data analysis. *Vilakshan - XIMB Journal of Management*, ahead-of-print( ahead-of-print). doi: 10.1108/XJM-01-2021-0023

Yuan, D., Gazi, M. A. I., Harymawan, I., Dhar, B. K., & Hossain, AI. (2022). Profitability Determining Factors of Banking Sector: Panel Data Analysis of Commercial Banks in South Asian countries. *Frontiers in Psychology*, 13, 1-17. doi: 10.3389/fpsyg. 2022.1000412